

۱۵۳

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۱۵۳

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: سرگذشت امام


مؤلف:

مترجم:

شماره قفسه: ۱۶۳۹۷

جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب: ۹۰۹۲۷



مجلس شورای اسلامی

۶۴م

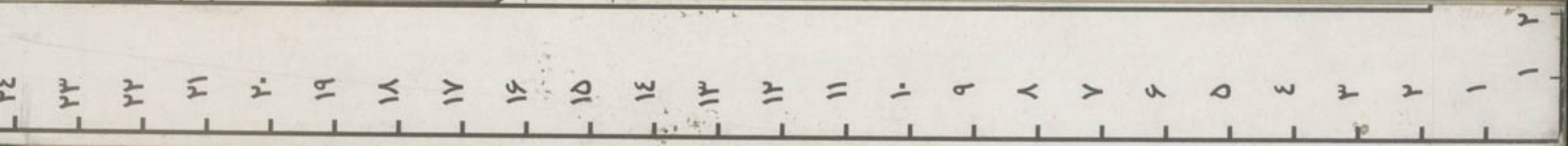
۱۳۲۹۱



جمهوری اسلامی ایران

مبارزه با فساد

۹۰۹۳۷



بسم الله الرحمن الرحيم

سواد عهد نامجات منعقدہ بادولت علیہ عمائم

عهدنامه که در ساله فیما بین پادشاه بهشت
جاگیاہ و محمود خان اول سلطان
عثمانی انعقاد پذیر

الھداتہ الہی امام عمیرین العتقین با یقظ قوب السلاطین واجری
عمیرین الامن بین الانام با بطاسر انھار ال فرہ بین الخواتین و

والسلاطین واصح مصاطھتم ما قدم امر المسلمین وادیب
عینط قوبہم یعنی صدور قوم زمین و نزع ما فی صدورہم من غل
و حقد و امرہم با یقظ العہود کما ورد فی کتاب المجید یا ایہا
آمرؤا و فوا بالعهود و صلا اللہ علی رسولہ محمد صاحب المقام المحمود
علی الدوصحابہ و لا یتما خلفا الراشدین الذین بذلوا فی اصلاح
الذین غایہ المجرود اما بعد چون در شرای کبر اصحابی مغان
کہ انالی ایران از زوات ہمایرن ما مستعز قبول سلطنت شدند
بنا بر اینکه از بدو خروج شاه اسمعیل صفوی ست و رفض در
ایران شیع و وحدات و بغضت میانہ روم و ایران ظهور
و وقوع دہشت نظر بمرتب خیف امر سنت و جماعت
کہ مختر آباہ کرام و اسلاف عظام ما بودہ از سلطنت
ایشان تجاشی و بعد از آنکہ التامح مکرر از آن گروہ

مانی شد امر فرمودیم که هرگاه آن خلیفه بآلکان
والحمان نازک احوال لاطیل و تخفیف خلافت خلفاء
بکار رضوان الله علیهم قائل شوند بحصول مسؤل نایل
خواهند شد آیت نهم حکم اقدس را قبول و از حیث
سابقه مکرر کردند چون علیحضرت قدر قدرت اعظم
سلاطین جهان و افعم خواقین در ان خدیو سلیمان جسم خورشید
علم ناصر الاسلام و المیلین فامع الکفار و المشرکین خاقان
البرین و سلطان البحرین مانع اسکن در شهر القریین خادم البحرین
الشریفین را در جهان داور گردیدن بارگاه مآثر اسلام پناه
خدا الله السلطان الغازی سلطان محمود خان مدالته تعالی
خلال خلافته عا روس العالمین خلیفه امر الام و فروغ
مشهور دمان ترکمانیه بودند برای مزید الفت فیما بین

درفغ غاید نورشین از زمانیه فریقین نواب عالیین امطاب
خنده را که در وفاق سابقه مطربست از ناپناه کندرگاه
مأمول و بعد از تکرار آمد و شد سفر انحضرت سده ماده را
ملقی قبول و در ماده را بمجازیر بر عینه و محاذیر مکتوبه
سابقه بموجب نواجیح نوافج ختام خواشند فسخ این امر گردید
اگر چه مراتب همان مانع محبت غمگشای زمار اظهار امطاب
گنیم ترا ریح ساقص و درغ تبخیر و اراضه عباد و اراضه آثار عباد
منظر درند استیم لیکن بنا بر خواست آن پادشاه سلیمان
مقام و حفظ ناموس اسلام کفالتیف معهود را مبرود کرد و
طریق سلامت مسرودک دشته این نوبه آرام بخش را
بجدید ملکد خسر اعلام نمودیم اما چون بعضی از مالکد عراق و
آذربایجان در ارمنیه ساقصه ببلاتین ترکمان تعلق داشت

که سبب اختلاف انگری شاه اسمعیل بدولت علیه عثمانیه
 انتقال یافته ضمن اظهار شد هرگاه رطبع اقدس باریه اسلام
 شاق و مخالف رسم وفاق نباشد کجا از آن در مملکت برام
 عطیه از آنحضرت بجز ممالک محروسه اینطرف انضمام باید آنحضرت
 را در راه برادری درود و قبول آن حق رساخته و در آن
 مایون که از آن دولت والا صورت افتقار الا بعد نصف اقدی
 غرض اول بخشد اندراج یافته بود اگر چه نظر بآثار مکتوبه
 و معبر و در در دولت نادیده در اعما و آثار بدیع ظهور
 پیشه در تین علقین را متحد میدانیم بنا بر بعضی جهات
 خاطر اقدس متعلق بر است در نحو که مواد سابقه منفسح
 از آنمطلب نیز راز مزید الفت و التیام اغماض و غشاء
 و مصالحه ایتم خدیو صلح مراجع سلطان مراد خان رابع

محدود و محضی شود تا درستی در میان دولت عظمی و اخلاف
 کرام و احقاط عظام نبلا بعد بنی در عرصه روزگار
 و باید از همانند آرا که اعلیحضرت باریه اسلام نیا به عدله
 اینگونه درستی محدود و محدودیت را بقصد و برایش محدود
 فرموده با نیز نراعات سنن درستی را بر ذمه خود و حسب
 رضایت خاطر آنحضرت و آرا مشرک را در ایتم مطالب عظمی
 مارک شرف بعد از وصول نامه مکتوب خاتمه مأمور آنانی
 آنخدیو الامرا نیز بجن ارتضا معرون و معتمدی برای
 بنا بر مصالحه مأمور با ختم فهایم معتمدان در تین امیر صلح
 بر یک اساس و شرط و سکه ماده و تبدیل بر این پنج قرار یافته
 اسلحام پذیرفت
 اساس ... صلحی در در زمان خاقان خدیو مراجع سلطان

X ۱
 ۲

مراد خان رابع واقع شده قیامین در لندن مرعوضه
و نیز که در سینه مغزیه همان دستور استقرار داشته
تغییر و فخر در ارکان آن راه نیابد

کسرت... من بعد فتنه ناتم و تنع در نیام بهم کپی
تن طرفین و مقرون بصلاح در لندن باشد معمول و ارز
امور که هیچ کدورت و منافصه صالحه و سالمه
سالمه باشد از طرفین اقباب شده انشاء الله تعالی

این در شهر و محبت در سینه در دولت عظم و احدی در این در خاوند
کبر ما دام اللالی و اللالیام الی یوم القیام قائم و برقرار بود
ماده اولی حاجت ایران و توران در از راه بغداد و یا
شام غارم بیت الهام باشند ولات و کھاتم همراه ایشان
مقدم محمد سالمین و آملین بگدگر رسانده صیانت

جان و مال و مراعات احوال ایشان را لازم دارند
ماده ثانیه... از برای نایب مودت و توشیح محبت در
سال شصت از اندولت در ایران و از ایران در آن دولت
بوده اخراجات ایشان از طرفین داده شود
ماده ثالثه... از طرفین مرخص بود و شری بر
ایشان روانه هم یک در خواهند و بطن هم روند
ممانعت ایشان نشود

تذییر حکام سردات از و کما که منافذ در است
احراز نمایند و بر آن امانت ایران احوال ناشی است را
در در زمان صفویه اعدا شده تارک و در اصول عقاید
بمدبام سنیست سالک بوده خلفه را شدن را نخر و
راضی یاد نمایند و کجاست فرزند در کجاست و مدینه شریف و باج

ممالک اسلام آمدند و گنبد از طرف روم بدین جهت
 آن مملکت و امانی را بر بلاد اسیاتیه بایشان سلوک شده از
 از ایشان هر روزه و سایر وجوه خلاف شرح و حساب گرفته
 نشود و همچنین در عیالات عالیات هم مادام که مال التبار
 در دست آنجا نماند باشد که تمام و سایرین بعد از این بخوانند
 و هر یک در مال تجارت داشته باشد مال حسابی از آنها بماند
 زیاد مطالبه نشود و از نظیر با تبار و امانی رومی همین منوال
 ۲ عهد و آنچه بعد از روم از راه ایران بروم و از روم بایران
 آید حمایت نشود بولکلای هر لاین تسلیم نشود لهذا
 ما نیز مراتب مطرعه را مضمی داشته عهد فر مردم در مصالحه
 مذکور و عهد مشروطه همیشه بین دولتین واقع و احوال
 حضرتین مؤید و برقرار و محکم و پایدار بوده مادام که در جهان

آندولت عظمی امر مخالف عهد و مذاق نظیر زیند از نظیر
 نقض و ظهر در قواعد آن راه نیاید ممن بکشد فاعلاً بکشد عیاً
 نفعه فمن اوفی بما عهد علیه الله فیتیه اجر عظیماً و حر
 ذلك في شهر محرم الحرام سنة الف و مائه و ستين في الهجرة

النبوتین
 عهدنامه که در سنه ۱۲۳۰ فیما بین خاقان خلداسا
 و سلطان محمود خان ثانی انعقاد یافت

بسم الله الرحمن الرحيم

۸ عرض از تحریر این کتاب مستطاب است که درین خدای بسی حدیث
 و بعضی عوارض در میان هر لاین علیتین اسلام روابط صلح
 و صفوت و ضوابط هر تری و الفت قدیمه بتدل بقدر خصوت

و مؤدی بحرب و کدورت گشته بود بمقتضای جهت جامعه
 اسلامی و عدم رضای طرفین بسبب و دما و وقوع
 ایگونه حوادث و غوغا اعاده سلم و مؤت و تجدید می
 و محبت از جانب هر دو پادشاهان انجام گرفت و موافقت
 شده بموجب فرمان علیحضرت قدس سره کجوان چشمه ملکین
 ملک کبریا را شجاع و سرور فدوی زمین و زمان محال الاسلام
 و المسلمین جلالت الدین و الدین عیث الحق و الیقین قهر
 الماء و الطین طهر الله ممدود فی الارضین حافظ حوزة
 مدینه مابط بسط جهان بنای داوود محمد شاه سلیمان
 و ملک انجم شاه اسلام بنیاد زینت بخش تخت کجوان
 ملک ملوک جهان شجاع بخش گامران شاه شاه ممالک ایران
 الناقان ابن الناقان الغارز فقیهات و فدا الله ملکه و ابا و حکم

غزوه غزوات و شهریار در و صلح شرکت و جهانداری
 مالک الرقاب کجوان ممت بر حیرت فطنت ملک افرا
 ملک ستار کن رکنین جلال غصن رطیب اقبال پادشاهان
 آزاده و سعید دولت علیه ایران عاتق میرزا غرضه ابن عبد
 مملوک و چاکر جان بنار و کلمات نامه شاه محض گشته و از
 جانب دولت علیه عثمانیه نیز نامبر و فرمان علیحضرت
 کجوان منزلت شکر ملک شهریار برید اقی تا حد بار بار شاه اسلام
 بنیاد سلطان النورین و فاقان البحرین خادم الحرمین
 ذر النور و الشیخ الاسلام بن السلطان الغار سلطان
 محمود خان ابدالله ملکه و اقباله و کلمات نامه بحجاب
 عزت نصرت امانت نهی جلالت کتاب تمام الامر بالمعروف
 الناقب محمد القواعد الامر بالبری الصائب صدراستق اکرم و الی

ولایت ارزنة الروم و هرگز جانب شرق محمد امین روف
 باشد دام محمد عطا و عنایت شد بعد این عبدملک در مدینه
 منوره با جناب بر عکس مثرالیه بعد از مبارزه و کالت با هم
 مبارکه عقد مجلسی که کرده مصالحه مبارکه باین آیین تبریک
 و تعیین یافت

اساس تدبیر هزار و یکصد و پنجاه و سه مجری بموجب مصالحه
 و عهدنامه در واقع گشته حدود و بنور قدیمه و شرایط سابقه
 در ارازم محتاج و تکرار و رد فرار و تحلیله سلسله آرا و اقامت
 شخص تعیین در در این علیین باشد تماماً و کمالاً بین الدولین
 مرجع و معتبر بوده بارگان آن وجهاً و الوجهه صلح عارضه
 در مابین در این علیین شرایط و هر دو مقتضای الفت
 و محبت ابداً در کار باشد

شرایط ... نماید مصصام اکثر و خصام در تمام بود
 در میان در این علیین معاهده نمود در یکدورت و در بدست
 و منافعی علم صفوت باشد و قوع نماید و آنچه دافعه صدق
 قدیمه دولت علیه عثمانی میباشد در اناجر حرب و مقدم
 بر آن بدست دولت فخریه ایران آمده از جمله قلاع و اراضی
 و مشا و قصبه و قراه است حال تقیر مصالحه خیریه از تاریخ این بمسند
 تا با اتمام مدت شصت روز طرف دولت عثمانی تمام کنیم که در بر اعانت
 خدمت این مصالحه خیریه گرفتار آن طرفین را اطلاق و انقضای تحلیله
 سلسله که آنچه در اثنای راه محتاج الیه آنها شود از ماکولات
 و غیره عطا شود و بر سعادت طرفین ایصال شوند
 ماده اول در این علیین را در امور دافعه بگوید
 مدافعه جاریست فیما بعد از جانب بغداد و در کتبان

جایز ندانسته در جمله مجال در از تو جهات سخاقت کردستان
 دافع صدور می باشد سبب از اسباب و جهات از الوجهه از طرف
 دولت علیه ایران مدافعه و تعرض و تجاوز در متصرفین سابق
 و لاحق تصاحب نموده و در حواله مذکوره اگر از امانه طرفین
 سلاق و قساق عمبر نمایند در باب رسومات عادی سلاق
 و قساق و سایر دعوی در وقوع باید مابین و کلائی ثابت
 و المعهد دولت ایران و وزیر بغداد شماره شده رفع نمایند
 در باعث کدورت بین الدولین نباشد

ماده دومیم باینکه از امانه ایران بکعبه مکرّمه و مدینه
 منوره و سایر بلاد اسلامیّه آمد و شد نمایند مگر حج
 و زیارت و ترددین امانه بلاد اسلامیّه رومیّه معامه نمایند
 و از ایشان مابسم هر رومیّه و سایر وجهات خلاف قانون

شرعیّه اصلاً ضرر مطالبه نشود و نکند لکن از زیاده و از رعایت
 عدلیت مادامیکه مال تجارت ندانسته باشند از ایشان چیزی
 مطالبه نماند و غیره نشود و اگر مال تجارت دانسته باشند مطابق
 حساب که در مطالبه شود زیاده طلب نمایند و در طرف دولت ایران
 نیز تا آن طرف دولت عثمانی و امانه این برین وجه معامه نمایند و مقتضای
 شرایط بقیه فیما بعد در حق حج و تجارت بر سره ایران و تعیین و اجراء
 شرایط قدیمه از جانب و زرای عظام امیر حاج میر
 میران گرام و سایر ضابطین و حکام دولت عثمانی کمال قیست
 و رعایت شود و از امانه شریف الی حرمین محرمین و از امانه
 الی شام شریف از جانب این صوره مابین نیز نظارت
 این بقیه خلاف شرایط هجومه واقع گردد و در رعایت
 این اهمیت نمایند و اگر درین این نزاع رویند

هاین بمعرفت معتمد درین آهانت نظارت این
 نمایند و از فمدهات عزم شایسته و جوهرات نیراده های عظیم
 و سایر اکار دولت ایران در محکمه معظمه و بقابت عالی میروند
 فراخترتیه این صحت و انوار نمایند و کنگر در خصوص
 کمرگ تبار و امالی ایران مانند تبار تبعه دولت علیه عثمانی
 نمود و از مال باریت این کیدغه بقرار کید فرود
 چهار قرض کمرگ گفته شود و دست ایشان نکره دارد بدیسه
 از دست این بدست دیگر فمقد نکره است مگر از این
 کمرگ بگزید و تبار ایران مال التمان پیچوق شیرار را که به
 دارالتقاده و سایر بلاد روم میآورند در مع و بر آن
 انحصار نمود هر کس خواهد مع نمایند و از تبار تبعه و امالی
 در لیتن علتین در بمالک جانبین آمد و شد نمایند بمقتضا

هبت جامعه اسلامی معامله در تنه شده از اندام و اخراج مخطوبان
 ماده سیم از عشره حیدر انلو و سپاه در میان
 در لیتن قذبح فیها بجه و امروز در خاک دولت علیه عثمانی
 ساکن میباشند مادامیکه در سمت آهانت اگر کیدود
 مالک ایران تجاوز کند حضرت ترند سر صد داران
 وضع و تربیت این وقت نمایند اگر از تجاوز حضرت ترند
 و از جانب ما مؤمنین سرحدات منع این نشود از تصاحب
 دولت عثمانی کفید نماید و اگر این برضا و رغبت
 خود نمایند ایران بگذرند دولت عثمانی از منع و
 تصاحب نکند و بعد از آنکه بطرف دولت استه ایران
 بگذرند بعد از آنکه عثمانی بایند قطعاً تصاحب و قبول این
 نشود در صورتیکه این بطرف ایران بگذرند آنوقت

۸
 ۷
 ۸

ارض و دولت عثمانی تجاوز کرده حضرت بزرگوار
 نشانی دولت آنه ایران در منع و تجاوز ایشان وقت نمایند
 ماده چهارم بموجب شرط قدیم فراری
 دولتین از جانبین تصاحب نشود و کدک از جمله غایب
 الایات هر کس بعد ازین تاریخ از دولت علیه عثمانی بدولت
 ایته ایران وارد دولت قلمه ایران بدولت علیه عثمانی
 بگذرد باید همان گدشگان تصاحب نشود
 ماده پنجم آنچه در دار السلطه سایر ممالک
 دولت علیه عثمانی امراال تبارت ایران بموقف شرع و دفتر
 محفوظ و نگاه داشته شد است از تاریخ این تمکد بمرتبه
 روز هر مقلی باشد بموجب دفاتر مرقوم و معرفت شرع
 بجهت دولت علیه ایران تصاحب آن آنها تسلیم نشود و ولای

اصح

9

اموال محفوظه آنچه در اسرار وقوع عداوت از محتاج و تجاوز روزگار
 و سایر ممالک ایران در ممالک عثمانی از جانب بعضی وزراء
 و ضابطان قهراً چرا گرفته باشند بعد از افاده و اظهار
 دولت ایران از دولت آنه عثمانی فرمان بر طبق این مذهب و کید آنها
 صادر و در هر مقلی بد از اشکات شرع گرفته و تسلیم نشود
 ماده ششم در ممالک دولت عثمانی کس مکه از آن
 ایران فوت نموند اگر وارث و وصی شرع ندیده باشد یا نبود
 بدست المال کرکه همان طرف را بمعرفت شرع دفتر کردن ثبت
 و بعد شرع رسیده و آن امراال ابعینه در مقلی امن نامت
 یک لفظ نمایند تا وارث و وکل و وصی شرع او آمده
 بموجب ثبت بخرش و ثبت علیه آنها و مقرر که تسلیم نشود و
 رسم عادی و کرایه مقلی آنها را گرفته باشند و آن اشکات

9

مدت مذکوره حریق و تلف شود ادعا آن نشود و اگر در مدت
مزمده وارث و وصی زند ترکه محفوظه را تا آخرین بیت المال
با اطلاع معتقد دولت ایران فروخته ممن محظوظ نمایند

ماده ششم در صورتیکه کتبی از طرف دولتین علیتین تعیین و محقق
در بار یکدیگر باشند و از تبعه دولتین علیتین در امور حرب
در طرفین گذشته اند در حق ایشان بجا بجهت انحصار خیریه
سایت این است نشود

خاتمه یعنی ماده ششم آنچه از اساس و شروط
و مواد در فوق مذکور شد بر موال محرمه و بالمدکاه قرار
داده شده از طرفین قبول گشته ادعای امرالیه در خصوص
مصارف خیریه از جانبین بضرر مضر کردن صرف نظر فرمایند

و از جانب دولتین علیتین بر وفق عادت تصدیقاً و با
سفر و ایچیان از تاریخ این تمسک الی مدت شصت روز
در رأس حدود دولتین بگذرگرا ملاقات کرده بآستانه طرفین
اصیال و تسلیم نمود و باینوجه عقد و تجدید انحصار خیریه
بر ماسمت حصه از تاریخ این تمسک معتبره مرع و معتبر گشته
و از جهت نایزه گذورت و خدمت نطقی بودن منافع دولتی
و خلاف این عمل و شروط معتقد و مربوطه از جانبین وضع
و حرکت و مخالفته جایز ندارند و از جانب جناب و کبریا لیه
نظر حضرت کماله از جانب دولت عثمانی ازین تاریخ ۱۲۳
۱۹ شهر شرفیه ذیقعه الحرام یوم یکشنبه این تمسک مهرور
شده و از اینباب نیز عبدطوک دولت علیه ایران بخصت
کامله نحو اساس و شروط و مواد مذکوره بوجه مشروطه قبول

نمود این تمکد تحریر و جناب و کیدش را الیه مبادله و تسلیم شد
بالعز و السعاه و الیمن و البرکه و الحمد لله اولاً و آخراً
و ظاهر ارباطاً

۶۹۱

قرارنامه فارسی که در ۱۲۶۳ هجری در زنته الروم استقرار یافت

غرض از ترقیم و کفایت و کمال است حجتیه دلالات آنکه از زنته
با نظرف چون فیما بین سلطنت جاوید آیت سنیة و دولت
هر ان مدت عتیة ابدی الدوام با دولت علیة ثمانیة مغرب و کمال
و کفالت حدود و وقوع یافته بود بابر تقصیر الیام
اساس دینی و الفت و ضوابط سلم و صفوت و حجتیه
اسلامیه در میان در لنین علیتین در کار و افکار سلیمه که

طرفین علیتین بدان متصف میباشند بالسویة انگیزه مواد غیراً
بر وجه موافق و مناسب فحاشت شأن در لنین علیتین تجدد
و تکیه بنیان صلح و سلامت و نشید ارکان موالات
و مدت از جانب در لنین علیتین اظهار رغبت و موافقت
شده را بر تنظیم و مذاکره مواد عارضه و تحریر و نظیر اسناد
مقتضیه بر حسب فرمان همایین اعلیحضرت قدمدست کیران
حمت مملکت مدار ملک گیر آرایش تاج و در رجال الاسلام
و المسلمین جلال الدینا و الدین غیاث الحق و الیقین قهرمان
الما و الطین طهراته الممدود فی الارضین حافظ حوزة
دور حمید جاه داراب تنگناه انجم سپاه اسلام پناه نش
نجر تحت کین اقطار ملوک جهان ضیورید ایل کامران
شاه مالک ایران السلطان بن السلطان بن السلطان

والفان بن فغان بن التمان محمد شاه ادا م الله تعالى
ایام لطنه في فلك الاجلال وزير فلك قدومه بمصالح
الاقبال بنده درگاه آسمان جبه محمد تقیخان وزیر
عساکر مسند نظام و غیر نظام در حاضر نشین مبارک
شیر و خورشید مرتبه اول سر تپی و حامد اقدار حاضر نشین
و کالت با هی و محض صر گشته وزیر از طرف عنقه
کیوان منزلت شرف فلك تا صد بار بد افق شهر بار بار شاه
اسلام پناه سلطان البرین و فغان البحرین خادم الحرمین
ذوالنکته و الشهامه السلطان بن السلطان بن السلطان
سلطان عبد المجید خان صاحب محبت با رعیت نصاب
زاده السید محمد افندرسعد الله افندرس در اعظم رجال
دولت علی عثمانیه و حاضر نصف اول از مرتبه اول و حاضر نشین

مخضربان تربیت مرخص تعیین شده بروجه اصول عادیه
بعد از آن دادن و ملاحظه و مبادله و کالت ناهای
مبارک العقاد معاينه مبارک که در ضمن نه فقره آتیه قرار داده
شد در ذریکات متطاب بیان و در مجلس منعقد از مرتبه اول
مبادله میوه

فقره اول در تین اسلام قرار میدهند در مملکت
نقدیه طرفین را که بمال از یکدیگر ادعا میکردند کلی ترک
کنند و لیکن بالین قرار معاولات تسویه مملوبات مخصوصه
مندی در فقره چهارم خلع نمایند

فقره دوم دولت ایران تقهت میکند در جمع اراضی
سبطه ولایت زهاب غیر اراضی جانب غربی آنرا بدولت
عثمانی ترک کند و دولت عثمانیه نیز تقهت میکند در جانب

شرعاً ولایت زمانه بی جمع اراضی جاییه از اجماع قدسه
 که نذیر دولت ایران ترک کند و دولت ایران قویا تهدد
 میکند در حق شهر ولایت میلانیه از آنکه آنرا تصرف نظر
 که در حق تملک دولت عثمانیه در ولایت مذکوره دارد
 وقتاً و الاوقات بکطرف دهن و تعویق نماید و دولت عثمانیه
 نیز قویا تهدد میکند در شهر و بندر حمزه و جزیره النهر و لنگرگاه
 و همه اراضی ساحل شرعی یعنی جانب بی ربط العرب را
 در تصرف و حاکمیت معروضه ایران است بملکت
 در تصرف دولت ایران باشد و علاوه برین حق خواهد
 شد که در شهر ایران با اراضی نام از شمال شهر منصف منصف تا موضع
 التماق حدود طرفین در شهر مذکور آمد و رفت نمایند
فقره سیم طرفین تعیین نمایند یکدیگر را این

ماده حاضر بر اوقات شازاد در حق اراضی ترک کرده از
 جانب بلا تأخیر هندیین و مأمورین را تعیین نموده برای
 آنکه مطابق ماده سیم به حدود و مابین طرفین را قطع نمایند
فقره چهارم طرفین قرارداد داده اند خرابی
 بعد از قبول اظهارات هر دو طرف در دولت بزرگ واسطه
 در شهر حاکم الاقل ^{مستند} ابلع و تحریر شد بطرفین واقع
 شده و هم رسومات هر دو را از ناله تا تأخیر امان برابر
 آنکه در آنجا در روز عدالت فصد و امانت بعد از در وقت
 بلا تأخیر مأمورین را تعیین نمایند
فقره پنجم دولت عثمانیه وعده میکند در شهر
 را در دکان و بازار ایران از در دست اقامت داده غیبت آنها
 را از دفتر مذکور و مراد و خصیه آنها را با ایران رضت ندیم

طرف بر این علیین عهد می شود در سایر موارد بموجب معاهده
 سابقه لازمه الروم عموماً رد شوند
فقره ششم تجارت ایران رسم گمرک اموال تجارت
 محض اموالی قیمت عالی و جاریه اموال مذکوره تقدیراً
 در هر دو عهدنامه منقده لازمه الروم در ساله در مان
 در تمام در این تجارت به طور شده ادا کنند و از مبلغه
 عهدنامه مذکوره تعیین شده زیاده وجه مطالبه نشود
فقره هفتم دولت عثمانی وعده میکند هر چه
 عهدنامه سابقه احوال را که گندم باشد در حق زوار ایرانی
 اجور دارد تا از مزایع تعذبات بر برون تراند که حال
 امنیت قلم را بر که راه کانی در مالک دولت عثمانی
 زیارت کنند همچنین عهد میکند در مراد سکه تمام و ناکند

روابط در تر و التام در لازم است همانین در دولت
 اسلام تبعه طرفین برقرار باشد مناسبتین و سایر
 استحقاق نماید تا چنانکه زوار ایرانیه در مالک دولت
 عثمانیه بجمع اعیانات نماید مطابق سایر تبعه ایرانیه نیز
 اعیانات مذکوره بهره و ربوبه خواه در تجارت خواه
 در سواد سایر از مزایع ظلم و تعدد و غیره محفوظ باشند
 و علاوه برین باینور اینکه از طرف دولت ایران برای
 منافع تجارت و حمایت تبعه و تجارت ایرانیه بجمع قلمهای
 مالک عثمانیه در لازم باشد نصب و تعیین شود بغیر از
 کلمه مکرره و مرسته مندره دولت عثمانیه قبول نماید و وعده
 میکند در کافه احوال را که شایسته منصب و ناموس
 باینور نامذکور باشد در حق قلمها را بر مراد سکه تمام و ناکند

حاضر شو در حق آنها نیز حاضر شو و نیز دولت ایران توهند
 میکند در بالوز را سیکه از طرف دولت عثمانیه جمع مملکتها
 مالک ایرانیه در لازم باید نصب و تعیین شود و در حق آنها
 و در حق تبعه و تاجران عثمانیه در ممالک ایران آمد و شد
 میکند معامله متقابل را کاملاً او را دارد

فقره هشتم در لنین علیتین اسلام توهند میکند
 در برابر دفع و رفع وضع غارت و برقت غایر و قیام
 در در وقت عیاشند تدابیر لازمه آباد و اجا کنند و همین صورت
 مملکتها مناسب حکم آفات خواهند داد و در لنین علیتین
 توهند میکند در از عهد هر نوع حرکات تجاوزیه منع
 و غارت و قدر در ارفی گدگی وقوع باید بر آید و قرار
 دار اند غایر که قانع فی میباشند و صاحب آنها معلوم است

مخضض تمام و تعیین کردن تمام در بعد ازین دائماً آفات
 خواهند کرد و یکدفعه باران و اقیانوس آن حواله شو
 و عا یریکه تبعیت آنها معلوم است جبراً بار ارفی دولت
 مبرعه آنها داخل شوند

فقره نهم جمیع مواد و فصل معادلات
 سابقه خصوصاً معاهده در ۱۲۳۸ در از زنده الروم انعقد
 شده در مخضضه باین معاهده حاضره الفا و لغیر شده
 مشر اینکه کلمه کلمه درین صحیفه مندرج شده باشد کافه آنها
 وقت آن ایفا شده است و فیما بین دولت علیه قرار داد
 شده است در بعد از سالیانه این معاهده در طرف هر ماه یکمرتبه از جانب
 در لنین قبول و ایضا شده تصدیقاً هر آن مبادله خواهد شد
 و کان دکل التحریر فی يوم الت در عشر من شهر جماد الثانیه ۱۲۶۳

ترجمه قرارنامه تنباکو و قوتون و نمک
 که در سنه ۱۲۹۲ فیما بین سفارت سنیه ایران
 و وزارت خارجه عثمانیه منعقد گردید
 فقره اول دامن گردن نمک و قوتون از محصولات
 ایران بمالک عثمانیه در هر صد تن بده باشد ممنوع است
 و این ممنوعیت تا وقت امتداد خواهد یافت در مورد آتشکده
 یکا از مال فارجه ممنوعت نمود و تعدیل شد است هرگز قلم
 ایران هم حق صلاحیت دارد در دخول نمک و قوتون
 مالک عثمانیه را تا آنکه خود مانع نماید
 فقره دوم قیمت فاضل تنباکو را بر ایران هر تری اجزا
 دامن مالک عثمانیه میوه در کسب مفاد و بیخ وجه کمرک

گفته خواهد شد و همین در کسب مفاد انبوه گفته شد دیگر هیچ
 مالک عثمانیه و هم فروردین و نه یکگونه رسم دیگر مجدد از آن گفته
 نخواهد شد اگر چه بعد از ختم گذشته باشد
 فقره سوم انبوه مفاد و بیخ تنباکو مطابق
 تعرفه و قرارنامه در باقیان طرفین منعقد خواهد شد گفته میوه
 و از ابتدای ماه می تا این مه ۱۲۹۱ روم الی سده ماه و سه
 کمرک افسان تنباکو تا یک در طرف مرت فروردین بکمرک
 فاینها را در ضرورم و بغداد و قبه وارد و دریافت
 ما بعد از کسب افسان تنباکو تا یک در طرف مرت فروردین
 هر یک مال مذکور وارد گردیده است هر یک در حد
 حاصل آن اسس تعرفه اول قرار داد خواهد شد و هر
 تنباکو در طرف مرت فروردین وارد شده است قیمت

مراقب تازترین قیمتهاست که همان خبر بنا کرد در هر صورت
یکسال قبل از تکد ماه فروردین است نظر معامله خواهد
و از تاریخ انعقاد تعرفه مقرره حکم تا سال بعد مجری
خواهد شد و در صورتیکه سه ماه پیش از انعقاد و بعد
مقرره یک از دو معادین تبدیل و تعمیر آنرا خواهد نمود
تجدید خواهد شد چنانچه اینگونه تکلیفی نشود در آن دیگر حکم
مقرر شده بعد از انعقاد هر سه ماه مادامیکه سه ماه تمام
یک از طرفین تعمیر آنرا تکلیف نمایند قاعد و قرار این
خواهد بود تا هفت سال دیگر حکم باقی و معتبر بود شد
و در تنظیم تعرفه بود فی اساس فروردین و تعمیر قرار تقصایاتی
از مقدار طربت و وزن کسبه کسر کردن آن متداول است
بعد از انعقاد این قرارنامه عملگر کمیدون تکمیل خواهد شد

و اجاز این کمیدون نیز از اینکه ابدار وقت اجاز حکم
قرارنامه برسد با تمام تأمیرات خوشان سر و قیمت خواهد
فقره چهارم وجه هر که بفتاد و بیع بنا کرد
بقرار فروردین در اولین گمرگنامه ممالک عثمانیه گفته خواهد شد
و در مهر سهولت کار بنا در حق کسیکه نوشته باشند
گمرک بنا کرد در مقدار فروش آن بدهد بدینجهت معامله خواهد
شد تا خرابی آن بنا کرد بر اهر سواحل و سایر صدقات
مساورد دیگر مازاد گمرک تسلیم کند در آنجا وزن نموده
طرفش را ارضاع میکنند بعد از فهمیدن وزن هر آن
اگر آن بنا کرد در همانجا بفروش خواهد رسانید همان
ساعت در یکصد مفتاد و بیع وجه گمرک آنرا داده اند که اشرا
خواهد گرفت و هر گاه خواسته باشد در آنجا بفروخته بای

دیگر هر وقت نماید ماداره کمر که زفته کنگر تا بر معبری
 کفیز داده سندیهم بر بار دم در طرف درستی نه مناسبت
 بعد صاف مقل نقل بوده باشد تبا کورا اما کار سینه از
 ادانه کمر که آنها در طهر تذکره نقلیه آن رسد که تبا کورا
 نویسنده اعان خواهد نمود و الا صدر مفاد و بیع کمر که
 آرا تا ما گار را در خواهد کرد بعد از دادن کفیز مزبور و
 بریدن امجو سدر و روفی اصول کفیز آفامه وزن تنظیم
 و با نظام تذکره نقلیه با و تسلیم با برار تبا کورا سعت شو
 در نواسطه صاحب تبا کورا مجوز خواهد شد در وقت وصول
 رسم کمر که آرا فوراً ادانه تذکره آرا کمر را اگر نوشته باشد
 وجه کمر که آرا تا وقت پیدا شدن شمرت یا غیر بنیدارد
 در یک حجره مخصوص خود شود و مکلید بسته باشد یا در

زده و دیگر در زرد اداره کمر که بده بشد بگذارد و همین
 معامه در صورت خواهر تبا در حق آن تبا که هم مرع خواهد شد
 در در مورد اولی بفرود خواهد رسید از تبا کورا سینه
 معوجه تذکره در یک قما محمد دیگر هر وقت نقل شو از باب
 رطوبتی در در انار راه عارض شو و کنگر میگردد در
 حقه از ده حقه وجه کمر که گرفته خواهد شد
فقره پنجم ... تبا کورا یک از مالک در است علیه عثمانیه
 بمالک خازم بطور ترانزیت عبور دان میشود مثل متعه
 تجارت با در مال قاعده ترانزیت در حق آنها رعایت خواهد
فقره ششم ... تبا کورا در از آنها دیگر مالک
 عثمانی با فلاق بغداد و صربستان و مصر عبور دان میشود
 رسم کمر که آن در صین وصول اولین کمر که آنها را حال مزبور

و همچنین بنا بر آنکه در ارض مال منوره با مالک عثمانیه عبور داد
 میسر گشت که آن درین وصل اولین کمر که خانه
 ما یکم متقیماً از طرف دولت عثمانیه اداره میسور گشت
 خواهد شد و بنا بر آنکه کمر که آن داده شده و غیره
 باشد اگر در طرف دولت عثمانیه با کجا؟ سره شود
 از وجه کمر که آن ترنیز شده ما بر تصاحب مال رد خواهد شد
فقره هفتم ... در خصوص تودن و بنا بر آنکه
 امتیازات عهدنامه سابقه در حق جمیع وزواریات
 عدالت کماکان باقی است و در مخصوصات در حق
 سایر فرس ایرانیه همان حال خواهد شد و باری ما فرس با
فقره هشتم ... اینقرار نامه از ابتدا در مدت آتی
 ۱۲۹۲ میلادی و مجری خواهد شد اینقره هم قرار شده خواهد

در طرف امتیازات تفرقه در فقره سیم اشاره شده منعقد
 نشود تا انعقاد آن از قیمت متداوله نقد تمنا که در اولین
 متر در یکصد ده ترنیز که در ارض مال آن در یکصد نفی
 وجه کمر که دریافت خواهد شد اینقرار نامه هم نسخه شده طرفین

اصفا نمودند و مهدگر

مبادله کردند فی ۱۲ شهریور

الحرام ۱۲۹۲، مجری و ۸ کازان

اول ۱۲۹۱

وزیر امور خارجه در عثمانیه وزیر مختار در ایران امین مقیم استانبول

محرر شد

مخبر

اصلاحات متداوله نامه ایست که شرط
 بقا و رعایت اجرای احکام عهدنامه است

منعقد و موجوده در میان دولتین
علیتین ایران و عثمانی حکم سابق و
همچنین بشرط باقی داشتن احکام قرارها
مصدق و مرع الاجرا بوده است
سفارت سنیة ایران و نظارت خارجه
عثمانی در اسلامبول مؤخر اخبار شهر
دنی القعه المحرمه ترتیب و قرارداد شد
اولاً تبعه دولت علیه امین در ممالک عثمانیه
حضرات متعلقه بحایت و جنحه و قباحت را با بنظرات

و قوانین دولت عثمانی و ملا واسطه بصناطه و محاکم سلطنت
شراکها تابع خواهند شد دعوی و اختلافات متعلقه بحایت
و حقوق عادی که بین تبعه ایران و عثمانی اتفاق بیفتد در
محکمات دولت عثمانی ردست و فسخ خواهد شد و در وقت
رسیدگی باگفته دعوی حاضر دشتن ترجمان از جانب
کارپرداز جاری خواهد بود و در خصوص اجرای احکام
اعلامها متعلقه بحایت و حقوق در حکوم علیه بودن تبعه
ایران صلوات الله رجوع بزبط سفارت سنیة و کارپرداز
خواهد شد و اگر بنحیه ملاحظه مدتی در جهت اجراء اعلام
مذکوره لازم میاید اجراء با عدم اجراء از جانب سفارت
سنیة و کارپردازان معلوم و معین شود از جانب
مأمورین عثمانی ملا واسطه اجرا خواهد شد

ثانیاً اگر چه تبعه ایران در ممالک عثمانی
 اقامت دارند بخوانند مانند تبعه عثمانی داخل صنف
 اصناف بشوند و صنعت و پیشه پیش گیرند چون از تمام نظامات
 و قوانین که در حق عموم اصناف مروج الاجر است بهره
 مند خواهند بود لهذا مادامیکه اصناف و پیشه و صنعت
 اجری میکنند نظامات و اصول و قوانین مذکور تابع شدت و
 زایل یا روم اصناف تبعه عثمانی مکلف استند تا جوار
 خواهند بود در خصوصات معاملات متعلقه با صنفی
 را با مجامع و مأمورین عثمانی تابع خواهند شد
ثالثاً کار پردازان و وکیل کار پردازان
 دولت علیه ایران در بدین آنها در ممالک عثمانی و صنعت
 مأموریت ایشان بموجب براد و اوامر هر قدر تصدیق شده

بخوانند و ترجمانهای ایشان از اقمارت و مساعدت
 و منافیکه و نولها و وکلار و قتللهای سایر دول
 نتاجه و ترجمانهای آنها بهره مند نمیشوند خواهند بود
رابعاً ملاحظه اینکه کار پردازان و وکیل کار
 پردازان مأمور باستقبال اسباب امنیت و صنعت
 و حمایت تبعه دولت علیه ایران در برآ و کجا ممالک عثمانی
 تردد و اقامت میکنند در نیفقات تبلیغات و
 اظهارات شفاهیه و تحریری بکلمات محلیه بهر خواهند
 آورد و همچنین هر گاه در حق مأمورین و ضابطان
 حکام از طرف تبعه دولت علیه ایران طامه هر شیوه کار پردازان
 و وکیل کار پردازان شفاه و تحریراً با جرای تبلیغات لازم
 اقدام خواهند کرد اثناسیرا که از تبعه ایران لازم تبعه

بمالک ایران فرستند کار پردازان و وکیل کار پردازان
 روانه ایران خواهند و در صورت ادم حق خواهند
 داشت در فرستادن آنها بواسطه مساعدت
 حکومت محلیه رجوع نمایند در حکومات محلیه بر حسب
 اظهارات ایشان لازمه مساعدت را بعهده آورند در
 خصوص ترکه تبعه ایران در ممالک عثمانی و فاتی می کند چون
 احوار تصاحب ترکه آنها و معاملات تحریریه و غیر آن
 بکار پردازان و وکلای کار پردازان راجع است در صورتیکه
 از جانب تبعه عثمانی در حق ترکه اقامه دعوائی شود در ممالک
 و ممالق متعلقه بدو موافق نظام رسیدگی خواهند
خامس تبعه ایران در اموریت رسته نشسته
 در ممالک عثمانی رده و با سیاحت نمایند و سید اینکه

اصول سپارت و تذکره مرور و نظامات فرانتین در حق
 ساریتبعه خارجه مرع الاجر برست تابع می شوند بصفه
 تبعه خارجه بودن آنها از نیهت وارد نخواهد گردید
سادس چون تبعه ایران در ممالک عثمانی
 اقامت دارند بصفه تبعه خارجه هستند نیز ساریتبعه خارجه
 از خدمات و تکالیفی در مخصوص منحصر به تبعه عثمانیه است
 مانند خدمات و بدلات عسکریه مستغنی خواهند بود
سابع هرگونه دعوی و نزاع در میان تبعه
 دولت علیه ایران اتفاق بیفتد بمعرفت کار پردازان
 و وکیل کار پردازان انجام داده خواهد شد و اگر در اینجا قهرت
 کار پردازان و وکیلها بکومات محلیه رجوع نمایند لازمه
 مساعدت بجهت خواهد آمد

شامس همچو آنکه از جانب مؤمنین عثمانی بنویست
 و تعلق امر تبعه دولت علیه ایران بکار بردارنا خوشان
 مدافعه نخواهد در حضور ایفای رسوم تبعه مزبور
 باید بکار بردارهای خوشان بدین نیز از جانب حکومت
 محلیه بهر مدافعه خواهد شد

تاسع اگر کاز تبعه دولت علیه ایران نخواهد
 داند تبعیت دولت عثمانی بشص موافق نظام مخصوص در حق
 سایر تبعه خارج صورت لازمه آن اجرا خواهد شد و در
 خارج این اصل امدی از تبعه دولت علیه ایران بخلاف
 قاعده نظام تبعیت دولت عثمانی قبول خواهد کرد

عاشرا چون اجراء معاهده تقابله در
 حق تبعه عثمانیه در در ممالک محروسه ایران اقامت دارند

طبیعی است لهذا هر کدام از فقرات مساعدت در در حق
 تبعه دولت علیه ایران در این قرارنامه مندرج شده است
 در حق تبعه عثمانیه در در ممالک محروسه ایران اقامت دارند
 در حق کرده شود و بهر نیاید از اجرائی همان مساعدت
 تبعه دولت علیه ایران در در ممالک دولت عثمانی تقصیر صرف
 نظر خواهد شد و در این باب نیز معامله تقابله از طرفین
 زرع خواهد گردید

جادی عشر اگر از جانب دولت علیه ایران
 حواسته شود در تبعه ایران از حقوق تصرف املاک بهره مند
 شوند در این باب قرارنامه عدالتمند نوشته خواهد شد تا هم حکام
 تنظیم قرارنامه مذکور کیفیت تصرف املاک بر منوال
 سابق خواهد ماند

ثانی عشر... همچنین اگر دولت علیه ایران بخواهد
در تبعه ایران با تبعه عثمانی از مراجع کند در خصوص نیز با اتفاق
مانعاً دیگر تقاول مخصوصه موافقت خواهند کرد

ثالث عشر... در خصوص معامله و دعاوی و سایر عیال
درین تبعه دولت علیه ایران و تبعه سایر دول حاضره اتفاق
میافتد تا معروف شدن قرارداد در این بابین بقدرت
سینه ایران و سایر ملل دیگر بطوریکه سابقاً مرعولاجرا
بوده است رفتار خواهد شد

خامس عشر... در معاملاتیکه فیج از مندرجات
فوق است تبعه دولت علیه ایران در ممالک عثمانی
هستند و تبعه دولت عثمانی در ممالک محروسه ایران
میباشند از امتیازات و مساعدت در تبعه در خارج نیز

از همه مظهر مسا عدم مستند بهره مند باشند بهره مند خواهند
و هر یک از فقرات و خصوصیات در در فصل مذکوره
نموده شد از جانب دولت علیه ایران

محرری نشود از جانب عثمانی نیز

سمت اجرا خواهد یافت

در ۲۱ شهریور القدره ۱۲۹۲

۱۲۹۲

تجدیل مقاوله نامه مسطوره فوق

اولاً بیاید هر حکم در تعلق بجهت و جایت و جایت
نسبت به تبعه عثمانیه صادر شود صورت تصدیق آن بقتار
یا توکلگی های عثمانیه داده شود

ثانیاً در تحقیقات ارضیه تا وقتیکه کار بجا است

نابت کرد و حضور مأمور عثمانی جازیه
 ثالثاً هر حکم در باره ضم عثمانی صادر
 شود مأمورین عثمانی حق تصرف دارند و میباید
 مأمورین ایرانیه اطلاع بآنها بدهند
 رابعاً اگر از تبعه عثمانی ضحیه و جزیات
 و جاتی بریزند و در اقالعه خودشان باشند حکومت
 با او همان معطله خواهد کرد در تبعه رعایای سایر ملوک
 خامساً توریه مازنه افلاس تبعه مقرر است
 و قونولک ایسی عثمانیست و بالتوریه هر پنج فقره
 در حق رعایای ایرانیه در ممالک
 عثمانیه جاریست فی سبب و همام
 محرم الحرام سنه ۱۲۹۴ تحریر

صورت عهد مقدسه منعقد با
 دولت بیه روسیه

عهد نامحاکماتیکه در سنه ۱۲۴۳
 شعبان المعظم در قریه ترکمانچای
 انعقاد یافت

بسم الله الرحمن الرحيم
 اعلی حضرت قهارت پادشاه اعظم و الاجاه امپراطور
 زکرت تیرگه مالک بالاستقلال مملکت روسیه
 و اعلی حضرت کیران رفعت خورشید زایت خست و مداری

اعظم با اقدار ممالک ایران چون هر دو عیالویه
 اراده تمامی صادقانه دارند که نبویان و کجای که مالک
 منافی رأی والای ایشان است نهایتی بگذارند و نه
 قیام حسن مجاورت و مودت را مابین این دو دولت
 روابط صلحی تراضی برام باشد و باعث خلاف و فتنای آیه
 را دور کند در بار شکر استوار دهند لهذا برای قیام
 اینها رخصته آثار اعلی حضرت امیر اطرا کل ممالک رسته
 جناب ایوان بسکویج خیرال ایوشان خود خیرال ایوان
 سرایگر عبدالکانه فقهار و ناظم امورات ملکه
 گرجستان و ولایتهای فقهار و حاجی ترخان مدنیان
 حریه بحر فرزند صاحب حمایلات الکاندی نبوی
 مقدس مرصع الماس و انانی مقدس مرتبه اول مرصع

الماس و ولاد میر مقدس مرتبه اول و کور که مقدس
 مرتبه دویم و صاحب شمشیر افتخاریک طلا مرسوم
 برای شجاعت و دیگر مرصع الماس و صاحب حمایلات
 صحرانارجه مرتبه اولین سرخ سبک بر و سیر و طلال
 دولت عثمانی و شاهان دیگر و صاحب الکندر او پر
 دیستیننی اساطیر سو تنیک فاسر کور و بار امیر اطری
 و صاحب حمایلات مقدسه مرتبه ثالث ولاد میر مرتبه
 ستانلادی لوانجوما یی روسلیمی را و اعلی حضرت
 پادشاه ممالک ایران ذوات مستطاب و الا شانه اراده
 نامدار حمد العنوان نایب السلطنه عباس میرزا را و کلای
 مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از آنکه در کجای
 مجتمع شدند و اختیار نامه های خود را مبادله کرده موافق

قاعده و شایسته دیدند فضل آتیه را تعیین و قرارداد کردند
فضل اول بعد الیرم مابین علیحضرت

امپراطور کز ممالک روسیه و علیحضرت پادشاه ممالک
ایران و ولعهد آن و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان
مصالحه و موذت و وفاق کامل الی الابد واقع خواهد بود

فضل دوم

چون نزاع و جدال که مابین
عهد کنندگان رقع الارکان واقع شد و امر و رعایات

نقطع گردید عهد و شروطی در بموجب عهدنامه مملکتان

بر ذمت ایشان لازم بود موقوف و متروک شد لهذا

علیحضرت امپراطور کز ممالک روسیه و علیحضرت پادشاه

ممالک ایران چنین لایق دیدند در بار عهدنامه مذکور

مملکتان عهدنامه دیگر مابین شروط و عهد قرارداد نمودند که

مابین دو دولت روس و ایران بیشتر از پیشتر موجب استقرار
و انظام روابط آتیه صلح و موذت گردد

فضل سوم

از جانب محمد و از جانب ولیعهدان و جانشینان بدولت

روسیه و اگر آریکند تمامی الکاهی نخوان و اربوا را خواه

آخرف رود ارس باشد یا اینطرف و نظربان تفریض علیحضرت

پادشاه ممالک ایران تعهد میکند در حدود رعایای این عهدنامه

در پرت ششاه همه دفتر و دفتر الهی را که متعلق با داره

ایند و ولایت مذکوره باشد بتصرف امرای

روسیه بدین

فضل چهارم

در تعیین علیتین متعاقب
عهد و میان میکند هر برای هر قدر مابین در مملکت

بدینجوب خط سرقه وضع نماید از نقطه سرقه مالک
 عثمانی در از خط مستقیم بقله کرده آنرا که یک افرست
 ابتدا کرده اینخط ناقله آنکه کشیده میشود و از آنجا تا
 بر چشمه رودخانه مشهور بقره سور باین درازرا شب
 جزبه آنرا که یک جاریت فرود آورده بمنابت مجرای
 این رودخانه تا بمقار آن رودخانه ارس در مقادیر شور
 مستقیم چون این خط با آنها رسید بمنابت مجرای
 ارس تا بقله عابر آباد میاید و در هر تعمیرات و ابنیه
 خارجه آن در کنار است ارس واقع است نصف قطری
 بقدر نیم فرسخ در عمارت از آنکه در سر و نیم روست است
 رسم نیمه و این نصف قطر در همه اطراف امتداد میابد
 همه اراضی و عرصه در دین نصف قطر محاط و محدود

میشود مابقی آنرا در تعلق بر وسیه خواهد داشت و از تاریخ امروز
 در مدت هر ماه باصحت و درستی کامرین و شمشیر خواهد
 شد و بعد از جایکه طرف شرق این نصف قطر مقصر
 ارس نیمه خط سرقه شروع و متابعت مجرای ارس
 میکند تا بمعبور بدر بلوک و از آنجا خاک ایران بطول مجرای
 ارس امتداد میابد تا بفاصله و مسافت سه فرسخ که
 عبارت از یک و یک و رس روی بعد از وصول باین
 نقطه خط سرقه با تقاضای از حصار مغان میگردد تا
 مجرای رودخانه بالها رود بمحلی که در سه فرسخی و قسمت
 باین تر از تقاضای در رودخانه که یک درم با دینه بازار
 و ساری قمر و از آنجا اینخط بکنار حصار بالها رود تا
 تعلقای رودخانه مذکور صعود کرده بطول کنار است

رودخانه آدینه بازار شرقی با منبع رودخانه و از آنجا تا
 باوج بلندیهای حکیر امتداد یابد نوعی حلقه آهناکیه
 در بجز خریثه متعلق بر روستیه خواهد بود و هم آهناکیه
 سرانگیز و مجرای آنها با آب ایران است یعنی باریان
 خواهد گشت چون سرقد هم مملکت آنها در اطراف قدر جبال
 تعیین یابد لهذا قرار داده شده شهابیکه ازین کهها
 نسبت خریثه بر روستیه و طرف دیگر آنها باریان متعلق
 باشد از قله بلندیهای حکیر خط سرقد تا بقله کمر تو گئی
 بمناجبت کهها می رود در طائر از شمال ارسق
 منقصد میکند چون قدر جبال از جانبین مجرای سابه را
 فراق میدم لهذا درینا نیز خط سرقد را همان قسم تعیین
 میکند در فوق در باب مسافت واقعه مابین منبع آدینه بازار

و قدر حکیر گفته شد بعد از آن خط سرقد از قله کمر توئی بکشد
 کهها یکمه محال زونه را از شمال ارسق فرق میدهد
 متابعت میکند تا بر قد محال و کلبج همواره بر طبق همان
 ضابطه در باب مجرای میاه معین شد محال زونه را
 بغیر از آن حصه که در سمت مخالف قدر جبال مذکوره واقعست
 از استقرار حصه روستیه خواهد بود از ابتدای سرقد محال
 و کلبج خط سرقد مابین در صورت قدر جبال کلودنی و سله
 که چهار عظیم در از و کلبج میگردد متابعت میکند تا
 منبع شمال رودخانه مرسوم است را بدینست ملاحظه همانصطبه
 در باب مجرای سابه و از آنجا خط سرقد متابعت مجرای
 این رودخانه خواهد کرد تا بملقاه و دهنه آن بجز خریثه خط
 سرقد را در بعد ازین تصرفات روستیه و ایرانرا از هم

فرق خواهد داد تکمیل خواهد نمود

فصل پنجم ^و **اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران**
 برای اثبات حرمتی خالصانه در نسبت با علیحضرت
 امپراطور کنگ ممالک روسیه در دین فخر از خود و از
 عرض اخلاف و ولعهدان سررسلت ایران تمامی
 الکا و اراضی و جزایر را در مسائله خط حدود معتبه
 در صدر مذکور فوق و قدر بگذار که قفاز و دریای خورا
 و کذا جمیع قاید را چه ضمیمه نشین و چه خانه دار در از امل
 ولایت ننگه هتند و اضماعاً و عن ال الابد مخصوص
 و متعلق بدولت روسیه میداند
فصل ششم ^و **اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران**
 بتلافی مصارف کثیره در دولت روسیه را برای جنگ

واقعه بین الدولین اتفاق افتاد و همچنین بتلافی ضرر
 و خسارتها نیکه بهمان جهت رعایای دولت روسیه رسیده
 تهنه میکند در واسطه دادن مبلغی وجه نقد آنها را اصلاح
 نماید و مبلغ این وجه بین الدولتین بده کورتاکن رایج
 قرار گرفت در عبارتت از نسبت بیون مناط سفید روسی
 و چگونگی و موعده و در این وصول این وجه در قرارداد ^{علیه}
 که تمام قدر قوه و اعتبار خواهد داشت در کوی لفظ بلفظ
 در این عهدنامه مصالحه الهالیه مذبح است معین خواهد شد
فصل هفتم ^و **اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران**
 شایسته ولایتی داشته که باین فرزند خود شاهزاده عباس میرزا
 و بعهد و وارث تحت فروری نجات خود تعیین نموده است
 اعلیحضرت امپراطور کنگ ممالک روسیه را بر اینکه از سلبهای

در سانه و تمامی صادقانه خود در فرید السیاحام این لوییدی
 دارد با علیحضرت پادشاه ممالک ایران بر مانده واضح و شاهی
 لایح بدید نموده میکند در این روز بعد شکر و عهد نواب
 مستطاب والا شاهزاده عاتر مهر را را و لیعهد و
 وارث برگزیده تاج و تخت ایران ششاضه از تاریخ
 در بر تخت شاهی پادشاه بالاتفاق این مملکت داند

فصل هشتم معاین تبارت روز فایده سابق
 استحقاق خواهند داشت در بار آدی بر دریای خزر و بطول
 سواحل آن سیر کردن بکنارهای فرود آید و در حالت
 سکنت کشتی در ایران اعانت و امداد خواهند یافت
 همچنین کشتیها تبارت ایران از استحقاق خواهد بود در تبارت سابق
 در بحر خزر سیر کردن سواحل روس آمد و شد نمایند و در آن

را امر در حالت سکنت کشتی همان نسبت تعانت و امداد
 خواهند یافت در باب معاین حربه در علمهای عکس و بر روی
 دارند چون از قدیم بالا افراد استحقاق داشته اند در بحر خزر
 نیز نمایند لهذا همین حق مخصوص کما فی السابق امروز با
 اطمینان بایشان دان میوه بخوبی که غیر از دولت روسیه
 هیچ دولت دیگر نتواند در بحر خزر کشتی هیچ داشته باشد

فصل نهم چون کمون خاطر علیحضرت پادشاه
 ممالک روسیه و علیحضرت پادشاه ممالک ایران
 این نسبت در مع تمل الوجه محمودی را در مابین سعادت و بهیمنت
 مابین ایشان مقرر گشته مستحکم نمایند لهذا قرارداد نمودند
 در لغوا و وکلا و کار گزاران در از جانین بدو تلبس
 علیتین تعیین میوند خواه بر این نام خدمات آنها برابر است

فراخزرتیه و موافق شان در لندن علیین و بلاطه بود که
باعث اتحاد ایشان گشته بعبادت ولایت مورد غرور و
شوند و در نیاب دستور العالی مخصوص و شرفیافته قرار دادند
که در از طرفین مرع و ملحوظ گردد

فصل دهم چون علیحضرت امیرالطاهر کل

مالک روسته و علیحضرت پادشاه مالک ایران تهنوار
و فرانس روایط تبار تر این دو دولت مانند کج از تختین ^{فولید}
ملاحظه کردند در میان سبب از یکدیگر مصالحه حاصل نمودند
قرار داد نمودند در تمام اوضاع و احوال متعلقه بحایت
تبارت و امنیت تبعه هر دولت را از عسکه تضمین بر رابطه کامله
بشد معین و منظم و در عاهد جدا گانه در میان عهدنامه
مطبق و باین و کلان نجات جانین مقرر و مانند فرود تیم او مقرر

و ملحوظ شیوه مضبوط و محفوظ دارند علیحضرت پادشاه
مالک ایران را بر دولت روس کما فی السابق این اختیار
معرض میدارد در هر جا مصیبت صورت اقتضا کند
کونسلها و حامیان تبارت تعیین نماید و تهدید میکند این
کونسلها و حامیان را که هر یک زیاده از ده نفر اتباع نخواهند
دشت فرموده رتبه ایشان مشمول حمایت و اقرارات
و امتیازات سازد علیحضرت امیرالطاهر کل مالک روسته
از جانب خود وعده میکند در باره کونسلها و حامیان
تبارت علیحضرت پادشاه ایران بهین وجه مساوات کامله مقرر
دارد و حالیکه از جانب دولت ایران نسبت یک از کونسلها
و حامیان تبارت روسته نکاتیر محققه باشد و کونسلها را
دولت روس در برابر علیحضرت پادشاه ایران ترفیع خواهد

و این حایان و کفرها را بلا واسطه در تحت حکم او خواهد
اورا از شرف خود بیفزاید هر که لایق داند اداره امر
مزبور را بر سینه عاریه رجوع خواهد کرد

فصل یازدهم ... همه امور و اوقایم تبعه
طرفین در سبب جنگ باخیر اقله بعد از انعقاد مصالحه
مراقب عدالت بنام خواهد رسید و مطالباتی که رعایای
جانین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند تجویز و تخمیر و وصول
پذیر خواهد شد

فصل دوازدهم در بنین علیین معاهدتین
بلا تراک در منفعت تبعه جانین قرارداد میکند در
برابر آنهاییکه مابین خود سیاق واحد در هر جانب و در هر
اطراف دارند موعود رسیده ساله مقرر نمایند تا بارادر در

پس مایعوضه آنها قدرت داشته باشند لیکن علیحضرت
امیر اطور کل ممالک روسته از منفعت انبقرار داد در همه
آمنه دار که باو متعلق و و گذار میشود سردار سابق اریوان
حسین خان و برادر او خنجان و حاکم سابق بخوان که بخانزاد
مستقیم میدارد

فصل سیزدهم همه اسرای جنگ در بنین خواه
در مدت جنگ آخرین باشد یا قبل از آن همچنین تبعه طرفین
که با سیر اقله باشد در هر مدت در باشد همگی لغایت
چهار ماه با آزادی مترد و بعد از آنکه حیره و سایر تدارکات
لازمه ایشان داده شد بعبایر آنکه فرستاده میشود تا آنکه
دست با شریک جانین هر در آنجا مأمور بگفتن و تدارک
فرستادن ایشان بولایت خود خواهند بود تسلیم بشوند

در لاین علی بن معادین در باب همه امراء جنگ تبعه
 روس و ایران در سایر افتاده و بعلت هر رکنها نیکی
 از آنها آمده بودند یا بعلت اوضاع و اسباب دیگر در
 مدت معینه متردند باشند همان قرار داد میکنند و هر
 دو دولت ای وقت کان اختیار تجد و نهایت خواهند
 که آنها را مطالبه کنند و تهدید میکند هر وقت ایر خود
 بدولت عرض نماید یا ایشان را مطالبه کند از جانبین متردند
فصل چهارم در لاین علی بن معادین
 صلابت وطن گذگان و فراریان را چه قبل از جنگ یا در وقت
 آن تحت اختیار جانبین گذشته باشد مطالبه نمیکند و لیکن
 برای منع اتباع مضرة جانبین در ملکات و عیالین خصیه
 بعضی ازین فراریان با نحو لاتیان یا اتباع قدیم ایشان

۲

۲۱

+

۳

حاضر میبمانند دولت ایران تهدید میکند در حضور و
 توقف استمضیر که المال یا بعد ازین بابسه باو مشغول خواهد
 شد از تصرفات خود در مابین لرس و خط رودخانه
 معلوم بچریق دریاچه ارومی و رودخانه مشهور تخبیو و
 قزل اوزن ناالقاء آن بدریای خزر واقع است خصیت
 ندم علیحضرت امیر اطور کلر مالک روسته از جانب خود
 همچنین وعده میکند در فراریان ایران را در ولایت قراباغ
 و نخجوان و کدالک در آنخصه ولایت ایوان در کن روسته
 رود لرس واقع است اذن توطن و سکنی ندم لیکن
 معلوم است در این شرط معمول و مجرب نخواهد بود مگر در
 باب آنها صیقل صاحب مناصب مملکه یا مرتبه و شأن
 دیگر باشند مانند خوانین و سیکها و ملاهای بزرگ در صورت

۳

ز قرا و اغواها و فحاشات و مکاتبات خبیثه ایشان در باره
 همولایان و اتباع وزیر دستان قدیم خود موجب کفر و رنج
 و تأثیر با فساد و اغفال تواند شد در خصوص رعایای
 عامه مملکتین باین جهتین قرار دادند در رعایای جابین
 در از مملکت بملکت دیگر گذشته یا بعد ازین بگذرند تا زون
 و مضر خواهند بود در هر جا یک اندولت در این رعایا
 تحت حکومت و اقیار او گذشته باشد مناسب دانند کنی
 و امانت کنند

فصل پانزدهم علیحضرت پادشاه ممالک
 ایران باین من لرا در کرام و آتایش را بممالک خود باز
 آورد در جبات مکان راه اکنون بسبب این جنگ
 و ضرورت در آن مملکت رو آورده بجهت انفعالی خواهند

که بفروری تمام سمت انعام میپذیرد از ایشان هر که
 بهمه رعایا در باب مناصب آذربایجان عفو کامل و شام
 مرحمت میفرماید و هیچیک از ایشان بدون استثنای تریاب
 و طبقات بحکم غرضها و عملها در قرا با ایشان که در مدت
 جنگ یا در اوقات تصرف چند وقت قشون روسته
 از ایشان نافر شده نباید معاقب شوند و آرا برینند و نیز از
 امر و زکیله همت بایشان مرحمت میفرماید هر بار در باره
 خود از مملکت ایران بملکت روس انتقال نمایند و اموال
 و اشیاء خود را نقد بایع کنند بدون اینکه در مدت یا حکام
 ولایت اندک عاقبت کنند یا از اموال و ایش و مقوله
 یا بقیه ایشان حقیقی و مزد را فرزند نمایند در باب ملک
 ایشان بجهت موعده مقرر میشود در آن مدت بیع یا حجب

خواهر خود با گذاری در باب آنها نمایند و ازین عفو و
بخشش مستثنی میشوند که درین مدت یک سال بسبب بعضی
تقصیرات و گناهان که مسلمین میسرت دیوانمانه با بدتوب
عقوبت میکردید

۴
فصل شانزدهم بعد از انقضاء این عهدنامه

مصلحه فی العفو و کلاهی مختار جانین اتمام خواهد شد
در همه جا در امور و حکمهای لازم بفرستند تا بلا تأخیر
خدمت راترک نمایند این عهدنامه مصلحه در همه نسخه
بیک نظرون ترتیب یافته است و بدتخط و کلاهی جانین
رسیده و بهر این من مهور و مابین این من مبارک شد
از جانب علیحضرت امیر اطرد کل مالک روسیه و
اعلیحضرت پادشاه مالک ایران مصدق و ممضی و

تصدیقهای متداوله بدتخط مخصوص این من
مزمین خواهد بود در مدت چهار ماه یا زودتر اگر ممکن باشد
مابین و کلاهی مختار این من مبارک خواهد
شد بخیراً در فریه ترکمانهای تاریخ

۱۰ شهر فروردین ۱۲۲۸ هجری

عبارت از پنجم شهر شعبان

۱۲۴۳ هجری

ملاحظه تصدیق نواب نایب السلطنه رسید

۵
باصفاى وزيره مبارکه عالیجاه میرزا ابوالحسن ^{رسید} قان

در باب کمر و رات و تحلیه سر حد

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل اول نظر با صد صد چهارم عهدنامه

عهد امروزه علیحضرت پادشاه مالک ایران تعهد میکند
 در تاریخ اتمام عهدنامه امروزه در مدت هر ماه همه
 حصه طالش را که بالاستحقاق معنی بدولت روسیه است
 در نقد داران بصحت و درستی بموجب هنر چهارم عهد
 نامه معین شده است و بعلت افعال خصمانه صادره قبلاً
 از جنگ که این عهدنامه بعبادت بانها میرساند تصرف
 عا که ایران در آید است از همه مخفی کرده مأمورین
 روس در همین جهت با کتفها همواره خواهد شد تسلیم نماید
 تا زمان تعیین ولایت مذکوره بکلای روسیه هر گز
 ایران بدقت توجه خواهد شد در هیچگونه تعدی و ظلم با اهل
 آزادی و اموال ایشان محمول نباشد و حکام ولایت
 از هر گونه خلاف ضابطه و نظام در خدمت آنها اتفاق

۵

بیتد از طرف دولت مآخذ خواهند بود

فصل دوم نظر با جسد فصد ششم

عهدنامه عهد امروزه در بموجب آن علیحضرت پادشاه
 مالک ایران بصراحت متعهد شده است در علیحضرت
 امرا طرک کنگر مالک روسیه بموجب حرارت ده گردان
 رایج که عبارت از نسبت ملین مناطعید روس بدید
 فابین در لنین علیتین مقادیرین تفرگشته است هر سه که در
 توپان از آن در مدت شش روز در مابفاصله بعد از اتمام
 این عهدنامه مذکور انحصار می باید بکلای مختار روسیه
 یا کجا سنگان ایشان دان شود و هر گز در توپان نیز بازده
 روز دیگر در وصول باید داشته که در هم در غرض شهر ابر ۱۸۲۸
 سحر در عبارت از ۲۵ شهر رمضان ۱۲۴۲ هجری اعیان گرد

۵

و در کردستان هم که نتمه ده کرد تو مان است و دولت
ایران بدولت روسیه متعهد اقبال گشته در غزه شهر نیوار
۱۳۳۵ مسیحیه در عبارتت از ۲۲ جد ۱۲۴۵
فصل سیم بدینت آنکه با علیحضرت امیرالطور کبک
روسیه جهت اقبال صحیح و کامل و جد خیرت مذکوره
بدیند ما بین مرلین علینین معاهدین قرار دادند است که تا
ایصال مگذشت که در تو مان تمام ولایات آذربایجان
در تصرف بیواسطه ای که روسیه مانده اداره و انتظام آن
بالانحصار برای منافع روسیه باشد بنوعیکه حکومت متعارفی
که المال در تبریز وضع شد است در اجراء تسلط و رفتار
خوف که رعایت و ضبط ضابطه و آسایش درونی متعلق و
نا انضای و سایر مخصوصه جهت تدارک ضروریات عیال که

باید علی سید العاربه در ولایت مذکوره معین باشد مربوط است
امتداد باید اگر خدا کرده مبلغ مذکوره فوق هر شهرت کرد
زمان است تا روز نازدهم ماه اخوند ۱۳۲۸ در عبارت
از نازدهم مهر صفر المظفر ۱۳۴۴ بحر تمامه تسلیم نمود معلوم
بهم و خواهد بود تمام ولایت آذربایجان از ایران انحصار
دائم خواهد یافت و اعلیحضرت امیرالطور کبک مالک روسیه
مطلقاً اتفاق خواهد داشت هر آنرا یا ضمیمه مملکت خود
باید زیر حمایت بیواسطه و بالانفراد خود جانشینان خود که
انتقال آنها بارت باشد در آن معین کند و در باطنی که
بر وفق ایوار داد در آنوقت بدولت روسیه وصول یافته تا
ایضا معلوم است هر همه به مطالبه و تکرار در بران نفع او
میاند اما در بی صورت هر ملت ایران ز دولت روسیه بالمره

از تمهیدات تقدیم بر الذمه خواهد بود لیکن تقریر است
 اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران در کور ازین سکه که در
 بعد از بیع کردن تومان در صورت مشروطه میسبت
 داده شود تسلیم کند همه آذربایجان اشتهار مرتبه در دست
 یکماه از سکه روسیه تحلیه خواهد شد و با اختیار ایران
 خواهد گردید اما قلع و ولایت خور مانند زمین اصال کور
 نیم از کور است مذکوره در باید با تمام در پانزدهم ماه اخذ
 میخیزد در اقدار سکه روسیه خواهد ماند خبر آنکه
 روسیه در اختیار او خواهد بود در باب تحلیه و رد هم با جزو
 آذربایجان موافق آنکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بدو
 امپراطور روسیه در موعده همون مهمت که در بامین هیئت
 کور تومان را داده باشد پیش از وقت دستور العمل لازم در

خواهد داشت و حکومت متعارف بریز در آنوقت اختیار را
 که دارد از خود سلب کند و کلای ایران که برای اختیار
 از طرف اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مأمور خواهند بود فوراً
 بتصرف آن خواهند پرداخت لیکن بدون اینکه ضابطه
 و اساس خلق مقرر نمایند و در شرایط و تمهیدات که در
 عهدنامه عهد مصاحبه المال درین فصل زائده تقریر است
 تفسیر حاصل نمایند کرد

فصل چهارم در سکه روسیه در باره
 سابق چند دقیقه آذربایجان را در تصرف خواهند داشت
 اختیار تمام و تمام در موافق صوابید فرمانفرمای سکه روسیه
 در هر حال این مملکت اقامت نماید لهذا قرار داد شد
 که سکه ایران در هر روز در بعضی اماکن آذربایجان

مستترند بلا فاصله بیرون روند و حوز را بر لایات
داخله ایران بکشند

فصل پنجم در باره امریکه مرص احتمال
ضابطه نظام عسکریه میثو و خط آن مابین عساکر جانبین
در مدت تصرف چند وقت و لایات در فصل سابق قرار
داشته بغایت لازم است مقررند در در آمدت
اقامت مهم داری لنگ روس در بجانب ایران بگذرد
باید در رابطه روسای ایران گرفته شده فی العین نزدیکترین
روسی عساکر روس تسلیم نموده و همچنین مهم داری لنگ
ایران در جانب روسیه بگذرد بلا فاصله گرفته شده
بزرگترین حاکم ایران تسلیم میثو

فصل ششم همان ساعت بعد از مبادله تصدیق
میانها

از جانبین مابشرها برای تشخیص خط سر حد که رابطه
فصل چهارم عهدنامه عمده امروزه شرط شده نامزد خواهد
شد و کدنگ برای ترتیب نقشه صحیح از آن که یک نسخه
مهر با شریک رسیده بتصحیح فرمانفرمای مگر حجتان و نسخه
دیگر در محال ماثبت بتصحیح نواب مستطاب نایب السلطنه
عائس میرزا معروض خواهد شد و بعد از آن این نقشه
مبادله شده مستثنی و در مستقبیل دست آویز و سند خواهد
بود این فصل جداگانه که برای تکمیل عهدنامه عمل
امروزه تشخیص یافته و مشتمل بر سه نسخه است همان قدر قوه
و اعتبار خواهد داشت در گویا لفظاً بلفظ در آنجا مستحبت
در هر حال ما و کلاهی مختار علیحضرت امیر اطهر تکر مالک
روسیه و علیحضرت پادشاه مالک ایران آنها را

و تنظیم گشته هر کس در قریه ترکمانی تاریخ ده
شهر فروردین ۱۲۴۸ هجری در عبادت ازیم شهر شعبان

۱۲۴۳ هجری

بناهای دیرینه با طرز عمارت از اهل عثمان
ملاحظه نمودن از این بنا
بسم الله

در باب تشریفات سفر اوامین

بسم الله الرحمن الرحیم

چون وکلای مختار روس و ایران مجتمع شده بودند تا
اینکه بر طبق نصرت عهدنامه عهد امروه را تشریفات
شایسته پذیرفتن اهلجان و وکلا و کارگذاران در عالتویه

بدرمانندین تعیین میشوند فاعده و نظمی بگذارند لهذا
مربوطه مشترکه بینها با نظیر قرار داد گردید همیکه دولت
ایران رسماً از ورود کنیز ایلچی روس بقبول خبر دارند
بلاتأخیر کنیز از مرتبه در بطن ایلچی مناسب باشد اختیار
کند تا هر قدر با استقبال او میسرست و دولت ایران
بماند وقت فرمانفرمای گرجستان از غنیمت مهاند
اخباریکه در روز ورود او را بر قد تخمیناً تعیین نماید و ایلچی
از جانب خود اهتمام کرده سفر خود را نوع حساب
خواهد کرد که مقارن ورود او وارد آنجا شود و از ساعتی
که مهاند از ایلچی را ملاقات خواهد کرد و متعهد امینی و عهد او
و اگر اما اینکه لایق او هستند خواهد بود ایلچی را در منزل
استقبال خواهند کرد در رئیس آن منزل یا کنیز آدم معتبر

آن دافع مستقبلین باشد یا معارف و اتباع سابقین و اگر
 ایلی در محضر معتبر مملکتی مکث کند حاکم خود برای تعارفات
 ایلی بر سر مستقبلین بوده تا بمنزله در برای او مهیا شده
 همراهم خواهد کرد اگر ایلی در شهر کیه یک از شاهزادگان
 حاکم آنها باشد مکث کند شاهزاده در حاکم آنهاست
 را بر خوش آمد و تعارفات ایلی وزیر خود را بملاقات
 او خواهد فرستاد و اگر زیارتی از شاهزاده بکند ایلی و جمله
 اشخاصی که جزو سفارتند تکلیف نمود خواهد کرد و یک
 صندوق برای ایلی حاضر خواهند نمود و هر جا که در رکبند
 ایلی نگری باشد مستمع شد احترامات عسکریه معموله
 نسبت با خواهند نمود همانند اتمام خواهد کرد که قبل
 از وقت دولت ایران از ورود تازه ایلی اخبار کند تا آنکه تمام

تدارکات لازمه جهت ورود و سلام او آماده کند چونکه
 ایلی با آخرین منزل دار السلطنه یا اردو نیکه علیحضرت
 پادشاه تشریف دارند رسید با یکی از اشخاص معتبر با اسم
 و بیعت نماید و خود پذیرفته خواهد شد و در نیمه راه دار السلطنه
 یا اردو با استقبالی عظیم از جانب پادشاه در رئیس آنها
 شخص صلیبانی از دربار پادشاه خواهد بود پذیرفته
 خواهد شد مستظفین شهر یا اردو را بر ایلی پیش خواهند
 گذاشت و احترامات عسکریه در لایق او باشد بهم خواهند آورد
 و سرخیز مستقبلین پادشاه هر زمان عت ایلی را بمنزله نیکه
 را بر او مهیا شده باشد خلع سرد و در آنها قراول آرمانی
 را بر او خواهد بود فریادی ورود او وزیر پادشاه و عظامی
 در بار سلطنت ایلی را عادت خواهند کرد و پس مردا

سلام خاص علیحضرت پادشاه خواهد رفت و ایشیک آقا
 باشر در ساعت مقرر آمده اورا اعلام خواهد کرد در برابر پذیرفتن
 او همه آماده است در بصیرت ایلی باین ترتیب روانه شود
 فراتان شاه پیش رو دشته ایلی و پیش راه میرود جمعی
 از فراول بانو کهای پایه ایلی از عقب ایشان میروند
 ایلی باب مزین در از سر کار شاه فرستاده شده یا اب
 خاصه خود را سوار شده باشد و جلدار سرکار پادشاهی
 پیش رو راه برود و اتماض حضرت و اتباع او در پیش
 و ایشیک آقا می باشد در جانب چپ او باشد و از در جانب
 سلطان پادشاه راه بروند و بلافاصله از عقب او دشته
 از فراولان ایلی بالزندان سلام و فراتان پادشاهی
 دنباله رود دشته ایلی باشند تا آنکه در میان قصر پادشاهی

پادشاه برگشته شده باشند باید در عمارت پادشاه برده برای
 ایلی پیش فک میکنند و ایشیک آقا برایشی در پیش
 ایلی خواهد بود اهتمام خواهد داشت در نهانیکه در رکب
 او باشند بر پادشاه ایلی در در عمارت پادشاه پادشاه
 شد و با و طاق وزیر اول یا در سه لار زقه تا بیرون
 آمدن پادشاه خند لحه در آنجا کدام خواهد گرفت در این
 ایلی پادشاه آن خند ایشیک آقا برایشی از پیش بخواهد عمارت
 پادشاه برود و از فراول بانو کهای پایه ایلی
 در میان بروند خواهند ماند بعد از آنکه ایشیک آقا برایشی
 آمدن ایلی را با بصیرت پادشاه عرض کند اورا از جانب
 شاه بدخل او طاق یا چادر تکلیف خواهد کرد و ایلی پادشاهی
 اصحاب خود بگنجانند رفت تا در هیچ حالت از ایلی و از هیچک

ار اصحاب او درخواست خواهد شد و بچگونه تغییر برض
 وزیر محرم دارند بدین لیکن اطعی و اتباع او اتمام خواهند
 کرد بر بار غمگینت کفر سدا که نمایند هر قدر از داخل
 شدن بیرون بیایند بعد از عرض نیاز بجزرت شاه اطعی را
 از جانب شاه تکلیف به نشستن میشود و برار او ضدی است
 میکند بعد از انقضا و انتهای مجلس اطعی بهمان ترتیبی
 آمده بود مراجعت میکند لیکن بدین ایکه با طاق وزیر
 اعظم یا یکدیگر سه ساله دافله بود بعد ازین سلام اول
 اطعی باز دید انما ضیکه بدین او آمده بودند و در سوم
 تشریفات بار پذیرفتن و کید یا لگد از روس همان خواهد
 بود ایکه صاحب منصبی در استقبال او میفرستند در مرتبه
 بست تر خواهند بود و اصحاب ایشان در عدد کمتر و نیمه

متخطین را را ایشان بیرون خواهند کرد و همان عکس
 در اول استند را ایشان نیز فنگ خواهند کرد وزیر
 اعظم بلاشهر اولاً بدین ایشان خواهد رفت تا بدون
 تلف مکرر بعد باز دید ایشان خواهد رفت اگر اطعی یا
 و کید یا لگد از از جانب و لیغبت خود حاضر است که باشد
 آنعلیهت باشد از دست ایشان خود خواهد گرفت همان
 تشریفات بتوسط دولت روس در حق ایچیان و وکلاء
 و کارگزاران ایران در باثورت بدربار بطور دروغ بنیاد
 بر عر و طوط میوه لیکن ملاحظه اختلاف روایات
 معموله در مملکت این تذکره در مستهل بر سر نسخت است و
 دستخط و مهر و کلاهی مختار جانین را دارد همانقدر
 و قیمت را دارد که گویا لفظ بلفظ بجهت نامه عهد امروزی

مذبح است خوراک قریه ترکمانی تاریخ دهم شهر
وزال ۱۸۴۵ مسجده عبارت از پنجم شهر شعبان

المعظم ۲۴۳ هجری

باصناف و در درگاه امامان
بسیار است
بسیار است
بسیار است

در باب تجارت و تعیین و کمال تجارت

بسم الله الرحمن الرحيم

فضل اول
چون در این عینین معاین
تم دارند و اتباع خود را از جمله منفعت و فواید هر از
آزاد در حضرت تجارت حاصل میسر میسر دارند و بعد از این

قرار داد که دند در عا و اتباع روس در مذکر متعارف
در دست داشته باشند در همه ممالک ایران می توانند تجارت
نمایند و کد لک حکمت می مجاورت مذکور می نمایند
رفت و بهین نسبت امامان ایران امتعه خود را در دراز خور
با لوز راه جنگ سر قدم لنین روس و ایران مملکت روس
در ۱۲۰۰ بیرون برد و از هر گونه حقوق و این را اینکه در ممالک
اعلی حضرت امپراطور در اتباع و سهل کلامه الوداد دارد و
داده میسر میسر خواهند شد در حالیکه با از اتباع
روس در مملکت ایران وفات یابد اموال منقعه و غیر منقعه او
چون متعلق بر رعیت است در دست است بدون قصد و تقاضا
با شرکای او تسلیم خواهد شد در باقی زمان بخوبی است
د، می توانند برد و مواضعه و بیع نموده و خرید کنند و بیع دیگر

داند معامله نمایند و در صورتیکه احوام و شرکای او موجود
 نباشد اختیار ضبط و کفالت همین اموال در کید یا کما گذار
 یا کنولها را در وسیع و اگر از بیخه بدون اینکه هیچ
 گونه ضمانت از جانب حکام ولایت ظاهر شود
فصل دوم حج در بر و امانت و ضمانت جاهای دیگر
 عهدی که برای امور تجارت خود مابین انانای جانبین مکرراً
 میگردد نزد کونسل روسیه و حکام ولایت و در جایکه قبول شده
 آنها نزد حکام ولایت ثبت میشود تا اینکه هنگام منازعه
 بین الطرفین برای قطع دعوی بر طبق عدالت تحقیقات
 تواند کرد اگر یک از طرفین خواهد بدون اینکه بنحو مذکور فوق
 تمکات مجاز و مستدقه در لایق قبول هر محکمه عدالت است
 در دست داشته باشد از دیگر ادعای نماید و جزو قائمه نمود

دلیر دیگر نیارد اینقبیل ادعایا مادامیکه مدعی علیه خود
 تصدیق بحقیقت آن نماید مقبول خواهد شد و همه معاملات
 منصفه در بصورت مذکور مابین انانای جانبین واقع
 باشد مادقت تمام مریض و مملو طانده نیز گنجه ضمانت که
 در انانام آن بظهور رسد و باعث ضرر یک از طرفین گردد
 مورد تلافی خسارت مناسب از طرف دیگر خواهد بود
 یکا از تبار روس در ایران مفسل و در شرکت شو حق ارباب
 طلب از اتمعه و امرا ل اودان میوه اما اگر از و کبر و کار
 گذار یا کونول استعمال شود در مفسل مذکور مال ممکن
 التقر ف در کهار اتر ضای همان ارباب طلب بیاید
 در ولایت روسیه گذاشته بانه برای تحقیق کردن این
 مطلب از منجر حمیده خود مضایقه نخواهند کرد این

قرار داد در دین فصل تعیین گشته همچنین در باره امانت
در ولایت لاس موافق قوانین مملکت تجارت میکند
مرغ خواهد شد

فصل ششم در اینک تجارت تبعه جانین

منافیه که علت غائی شرط سابق الذکر گشته اند محقق
و محکم نمایند قرار داد شد در اینم گشته تا در مرتبه
تبعه روس بایران آورده بالذین مملکت بیرون برود
و کد لک از اتمه معلوم مملکت ایران در ترتیب تبعه آن دولت

از دربار فروریاضی سر قد در تین روس و ایران
بیرایت روس ربه تبعه همچنین از اتمه روس در رعایای
ایران با هم راه با بیرون میزند لحاظ ات بق در وقت
داعی شدن و بیرون رفتن هر چه بگذرد بیخ ارضه که

گرفته شود و بعد از آن هیچگونه کم کم دیگر از ایشان مطالبه
نخواهد شد و اگر دولت روس لازم دانند در قانون تازه و
تعمیرها مرتب قرار داد کند مستخدم میگردین حالت نیز
که که فرور را مریخ ارضیت اضافه نمایند

فصل هفتم در اینک روس بایران با

دولت دیگر در عهد باشد تبعه جانین ممنوع نخواهد شد
از اینکه با اتمه خود از خاک در تین عتقین معاهدین
کود نکند و خاک دولت مزبور برود

فصل هشتم چون موافق عهد است در ایران

موجود است در اینک در فغانه دانند و امکان
برابر وضع اتمه عرف با جان بداند که اتمه روس
در ایران از آن دان می شود فغانه برابر کنی دانند و امکان

را بر وضع اتمه تجارت هم اعانه نمایند و هم بملکیت تحصیل
 کنند و متعلقان دولت ایران بنمایانها و سایر ملکها
 عفا و عضا دافع نموانند لیکن در وقت ضرورت
 از وکیل یا کارگذار و یا کونول رتبه استرفاض قبولند
 نمودن ایشان صاحب منصب یا ترجمان تعیین نمودن در وقت
 ملاحظه فائده با اتمه ضرورتیست باشد

فصل ششم چون وکیل و کارگذار دولت امیرای

و صاحب منصبان مأمور ایشان و کونولها و ترجمانها
 در ایران اتمه در کار طویل ایشان باید و اکثر آنها ضرورت
 معیشت برای ابقای پیدا نمکنند لهذا میبایست بدون
 باج و فزاع هرگونه اتمه و شایده خاصه مصارف ایشان
 تعیین شده باشد یا ورنه و کد لک این این زاریت

دوران وکیل و کارگذار و کونول دولت ایران در تمام دربار
 روس باشند و موقوف خواهد شد و کسکه از راه ایران
 برای خدمت ایلچی یا وکیل و کونولها و همان تبار
 روس لازم است مادامیکه دزدان ایشان باشند
 روس از حمایت ایشان بهره مند خواهند بود و لیکن اگر
 شخصی از آنها مرتکب مجرمی شود در موانع و این ملکه
 مستحق تنبیه باشد در آنصورت وزیر دولت ایران با حاکم
 دره کسکه آنها باشند بزرگ ولایت مجرم را بواسطه لذت
 ایلچی یا وکیل یا کونول دزد کرده که ام در باشد مطالبه میکند
 تا اجرای عدالت شود و اگر انعطافه منزه باشد بدو باج
 حرم و تقصیر متهم را ثابت کند ایلچی یا وکیل یا کونول
 از دادن او مضایقه خواهند کرد



فصل هفتم همه ادعا و امر قانع فیما که فیما بین
 تبعه روسته باشد مالاخصار ملاحظه و قطع و ضم و کید یا
 کولونهای علیحضرت امپراطری بر طبق قوانین و عادت
 هر ملت روسته مرجع می شود و همچنین است منازعات و ادعای
 فیما بین تبعه هر ملت روسته و تبعه هر ملت دیگر اتفاق می افتد
 حالیکه طرفین باور ارضی شوند و منازعات و ادعای یکدیگر
 تبعه روس و ایران واقع شود بدویان حکم شرع یا حکم
 عرف لایت مروض و تحول میگردد و ملاحظه و طرفین میگردند
 ترجمان یا و کید یا کولونها چون ایگانه ادعای یکدیگر موافق
 قانون یکدیگر عملی شده باشد هر بار اعلام میباید شد که
 اوضاع زجر باشد در اقصای تحقیق و ملاحظه ثانی کند
 بدون اینکه و کید یا کولونها را کولون روس را ساها از

آن اخبار شود ملاحظه نمیشوند و در این حالت آن امر
 استعلام و محکم علیه نمی تواند کرد مگر در دفتر خانه عظم
 یا شام در در تبریز یا طهران باشد کذک در حضور کتبه
 ترجمان و کید یا کولون روسته

فصل هشتم ... کار قدر و امثال آن گنایها
 بزرگ در در میان خود رعایای روسته واقع شود تحقیق و قطع
 و ضم آن مطلق در اجراء می یابد یا کید یا کولون روسته
 خواهد بود بر وفق قوانین شرعیه در این در باب امر ملت
 خودان شده است اگر یکا از تبعه روسته بدو جرمی مسلم
 الساتر با دیگران متهم باشد بجهت او را اقامت
 نباید کرد مگر در صورتیکه ثراکت او محکم ثابت و مدلل شود
 در این حالت نیز مانند حالتی که از تبعه روسته بجهت دیگری

✓

✓

۸

تهمن باشد حکام نموندند بشخص جرم بردارند مگر در
 صدر گاشته از طرف و کید یا کوشهای روسته اگر در
 ۸ اماکن صدور جرم از و کید یا کوشهای کسی نباشد حکام ولایت
 ۲۲ روسته باشد در آنجا روانه نمکند و استنها دانه در باب
 رایت و شد زنده تهمتم رابطه حاکم و مفر آنجا ن از روی
 صداقت مرتب و مهران رسیده باشد و این کیفیت
 ۱۱ مجرم را بیا یک که نزل یا صاحب منصبی از دایره ولایت
 بجمع حکم خواهد شد فرستاده شود ایگونه استنها دانه
 سند معتبر و مقبول اودقا خواهد بود مگر ایگه تهمتم عدم محتمل
 علانیه ثابت نماید و در صورتیکه تهمتم چنانچه باید طرم گشته
 قوای صریح صادر شود مجرم را بکید یا کوشهای روسته
 تسلیم میزند در برابر اجرای ساری در قوانین معتبر است

بجکلت روسته نموندند

فصل دهم در لیتن علیتین معاهدتین

۱ اتمام تمام در باب رعایت و اجرای شرایط این
 معاهده خواهند داشت حکام ولایات و دیوان
 سیکان و سایر رؤسای طرفین هم از مواظده شریده
 داشته در هیچ حالت تکلف و تجاوز نخواهند کرد در
 کواز تکلف چنانچه باید تحقق شود موجب سزوی ایشان
 خواهد بود خلاصه با وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور
 کل خالک روسته و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران
 که در ذیل دستخط زشته ایم شرطی را که درین معاهده
 مندرج است و از تاریخ صدور دم عهدنامه عهدت
 که همانروز در ترکمانهای اقسام یافته است و بخندان

اعتبار و قوه خواهد داشت در کمال لفظ بلفظ در حق و عدل
مقوم و صدق گشته است نظم و ترتیب ام

لهذا این معاهده عدالمانه که مشتمل بر
نسخه است ترتیب یافته است

بهر ما رسید میباشد

تحریر آن قریه ترکمانی

بتاریخ دهم شهر فروردین

۱۲۴۸ هجری

عبدستار

شهر شعبان المعظم

۱۲۴۳ هجری

رضای وزیر در کمال عدالت
ارباب خندان

بلاطه و صدق و عدل
بزرگ شاه

قرارنامه افلاکس حلی که در شهر
شوال ۱۲۵۹ منقذ
گردیده است

تدبیر آن در جهت دفع افسوس و دفع حیدر است در نکته
لازم آمد از قرار فقرات ذیل است

فقره اول جمیع مستندات خرید و فروش و معاملات

و غیره فریبند باید در دیوانخانه معتبر و در دفتر مخصوص

حاکم هر ولایت مهور بهر جهت میدهند ثبت شود در دفتر

مذکور کتب مطابقت از روز تاریخ و غیره ثبت گردد و غیره

باید بر روی مستندات نوشته شود و اوراق دفتر عمره داشته

باشد و محکوک و قلعه نباشد

فقره ^{دوم} مستدائیکه در دفتر بزرگ معتبرند اند بار
 باید جداگانه در دیوانخانه لاری الف با اسامی معاین
 زشته شود و غرض دفتر بزرگ فهرست
 فقرة ^{سوم} خانگی یکا عیاق مطالبه نخواهد نمک
 که در دیوانخانه معتبرند است برخیزند آنگه ثبت دیوانخانه اش
 قدیم است اول وصول خواهد شد و این قرار داد مطبق قواعد
 غرامت بکف اطلاق جاریت نخواهد بود
 فقرة ^{چهارم} ثبت مستندات خیر نیت
 واجب ولی بخصوصه مستدائیکه مراقب قاعده در دیوانخانه
 صورت اعتبار بهم رسانیده است ترجیح دارد بر مستندات
 خارجیه مجرا نخواهد بود مگر بعد از اجرای مستندات
 که در دیوانخانه معتبرند است و این نوع مستندات خارجیه

تأدیست یکسال میتوان بدیوانخانه آورده معتبر نمایند
 فقرة ^{پنجم} هر که مال غیر منقول را بخواهد بفروشد
 یا بیع شرط بگذارد باید قبله و بنجاق آنرا بدست مشتری دهد
 و خانگی سر و عده نخواهد آرانند مریح لازم خواهد بود و دیوانخانه
 قدر از ثبت و معتبر نمودن چنان سند خرید و فروخت باید مشخص
 نماید در قبله و بنجاق آن بدست مشتری رسان شده است و
 پیش از آن چنان غیر منقوله بغير فروخته نده باشد و نزد
 کسی بیع شرط و رگرو نباشد
 فقرة ^{ششم} ادای وجه تمکات ثابت نخواهد بود مگر
 طبقا رویه کار هر دو خط و مهر حق بر روی تمکات
 زشته باشند خواه کلاً رسید و الا عند الضرور باید
 شود و بیا قسم ادای قرض ثابت گردد

فقرة هفتم ... بعد از وفات بدکار طلبکاران
 حق مطالبه نخواهد بود از ورثه مرحوم قبل از اقباض
 وعده خواهند داشت مگر ورثه اموال مرحوم را رد نمایند
فقرة هشتم ... هر یک از کسبه و تجار در دعوی
 افلاس نماید باید قسم بیاکند در اموالش چیزی پنهان
 نکرده است و افلاس خود را ثابت کند و همچنین شرکاء
 و کارکنان او هم باید قسم بیاکند در اموال او چیزی
 پنهان نکرده اند
فقرة نهم ... ازین نوع ورکتهها دست بردارند
 تا ضامن بن حاضر نمایند و دیوانیان اموال ورکته را
 و اموال اولاد و زن او را ضبط خواهند کرد در صورتیکه ثابت
 شود بعد از ظهور ورکستی او صاحب این اموال شده اند

و آنچه در اموال او است در پیوسته دفاتر بزرگته ندانسته
 مابث باشد تا آن رسیده باشد ما حاضر کما بر عدالت باشد
 مع هزار دقتران شود هر رفته از ضبط محفوظ خواهد ماند
فقرة دهم ... چنانچه باعث افلاس از حق
 اتفاقیه و از غرق ثابته و از غارت دشمنان باشد نصیحت
 ضروری است
فقرة یازدهم ... سزار نفس جعل همان برای
 در د و سزار شخص گداز خواهد بود و اختیار تخفیف
 سزار آن در این مواد استثنای منصر با علیحضرت قدر
 قدرت شهریار خواهد بود نفس جعل باید دست مطلق
 مراضه شر در قفس باشد و ما اعد حق باطلاتش هم نباید
 مراون داشته باشد جمع اموال ضبط خواهد شد در این

نمیوانند و بیشتر شغ غیوانند همین ترا برای
رفقای او و برای اثنا صیکه اموال او را پنهان دانند
باید خواهد بود

فقره دوازدهم شرط نامحبات تصرف
بمدار افلاس نایب است واقع شده است باطل است
و همچنین شرط نامها و بخشها که بعد از ظهور افلاس غیوانند
فقره سیزدهم تقسیم اموال در کسبه فیما بین
طلبکاران بعد از چهار ماه خواهد بود و اگر افسر در کسبه
از قریب جزو است در نزوح و تلف میوه شرکها را
آذوقه و سایر باید ملا درنگ نقد نمایند و مال التماس در بعد از
افلاس بدست مفسر میفرستند باید در مرکز ضبط نمود
بدیوانانه فرستاد و همچنین هر نوع مراسلات باسم مفسر

که مفسر عدم صدق افلاس باید بدیوانانه رسانند
فقره چهاردهم ... مادامیکه مفسر مقرر
قروض خود را ادا ننموده است باز به کار خواهد
و طلبکاران برضای خویشان برابر طلبها را به مهلت
خواهند داد و در آن اثنا هر چه حاصل شود بابت
باورسد عوض قروض باید داده شود

فقره پانزدهم ... ضمیمه در مقابلت و قریبت
مستندات نقلی ظاهر گوی و دیوانانه ثبت را بقبل
باشد دیوانانه باید از جمله قروض در کسبه برآید
فقره شانزدهم ... آنها صیکه مفسر جمع محسوب
میگردد از استقرار میباشد اول آنکه نتواند افلاس خود را
ثبت نماید و بطریق واضح حساب نقد و ضمیمه خواهد

از مردم گرفته است بدین جهت آنکه به نهانی و آشکار
 خبر نماند ببردیم آنها سیکه افلاس خود را دانسته بعد از آن
 افلاس بقصد خوردن مال مردم بخشندگها نماند
 چهارم آنکه مال غیر متعلق را در ساقا نیز فروخته است
 یا بیع شرط گذاشته است مبداء بفروشد یا بیع شرط نگذارد
 پنجم آنکه مال وقف را بفروشد یا بیع شرط نگذارد
فقره هفتم ... علیحضرت قدر قدرت شهر ماری
 برای در بعضی مساجد و اماکن شریفه در از قدم الا تا ام
 سز فانه را علی زانی و عمارات با شامر بست
 بوده اند بتهارا را یعنی بست فانه را متوقف فرمودند
 سفیر مانند در هیچیک از رعایای امپدولت حاویدیت
 متصرفین را متذد و مفسر و بر آنجاها را غور راه

نهند و هر که خلاف حکم با سایر نماید مرد و مواخذه خواهد شد
فقره هفتم ... چون بجهت پیشرفت امر تجارت
 همه جا ملک التجار ضرورت است لهذا اولای حرات فایره در همه
 جای ایران در تجارت کجا بشود ملک التجاری معین خواهد
 فرمود و دیگر آنکه هر وقت کار تجار در ملت بهتیه روستیه
 بدیرانمانه رجوع بشود باید قطع و هدر آن در ضرر کینف صاحب
 بنصف سفارت یا و نو لگی شود همچنین ضبط اموال مغفل
 و مخلفات متروک متوقف در جاییکه با بر فارغ بمیان
 آید باید همیشه در ضرر کینف صاحب منصب روس باشد مگر گذاران
 روس طلبهای در سکنه را از بدیکار انصراف ولایت
 خواهند بود چنان مطالبه خواهند کرد مثل اینکه متروک
 خود رعایای ^{حالت} بهتیه روستیه باشد دیگر در باب فقره

نجم در مال غیر موقوف ذکر شده است مجدداً ایضا بنویس در برابر آن
 کسر بر فراء حق دارند اول دیوان اما در تمام مالک
 تیم رعیت چنانچه مالک بخواند قریه عذر میسرط بگذارد
 جهت رفع گفتگاید قدر از وقت از دیوان اما در رعیت
 اذن صادر کند تحریراً فی ۲۷ شهر ثوال ۱۲۵۹ در دارالافتاء
 سمت تحریر یافت

قراریست که در باب مهاجرت در ۲۵۹
 ۲۸ شهریاری الاخره داده شده است

از برای رفع اغتشاش در بحال اما سرمدات روس
 و ایران در پیش از مهاجرت صادر آید و کلای طرفین

حب الاذن و امانت حمل خوشان این قرار داد را
 منعقد و هر که خواهد

فصل اول رعایای هر دو دولت معتمد بدون آن
 معتمد و بطیط دولت خوشان بنام یکدیگر عبور خواهند کرد

فصل دوم هر شخص از رعایای هر دو دولت
 بهین در بدون بطیط بنام یکدیگر بگذرد و دیگر دولت
 هر دو داران نزدیک با کما یا بوزیر محی آریا بشارت در دافریا
 بقبول دولت نمی تقیم خواهد شد مع الله و اسبابیکه بهر چه دارد

فصل سوم هر خواهشی در رعایای هر دو دولت در
 خصوص مهاجرت نمودن از دولت خوشان خواهند کرد
 باید بدون مدفلیت صادر باشد

فصل چهارم اگر مابین هر دو دولت در عالم هر

از مدبرگی بیعی بخواند بمضایقه از برای بعضی فاداران
خواهند داد که ما نیز معزونی بقاعده وقانون بشد
مذمه مرحوم حاج میرزا آقا محمد خراف دم وزیر مختار
صدر اعظم دولت عثمانیه ایران دولت بهتیه روستیه

عهدنامه سرحدات خراسان که در ۲۹۹ منقذ گردید

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۱
چون علیحضرت پادشاه کبر ممالک ایران و علیحضرت امیرالاطراف
بالاستقلال کبر ممالک روستیه مصلحت دانستند
خط سرحد را میان ممالک خوشان واقع در طرف شرق

بجز خرنشین نمایند و در مقام استقامت و استواری
ممالک زبوره برآیند لهذا منقذ شد در این باب
یکمده نامه منعقد نمایند و تعیین و کلامی مختار را از مختار فرمودند
اعلیحضرت پادشاه کبر ممالک ایران خرابه تهاب عثمانی الملک
میرزا سعید خان وزیر امور خارجه خوشان را و علیحضرت امیرالاطراف
بالاستقلال کبر ممالک روستیه خرابه تهاب ایوان زینب
ایچی مخصوص و وزیر مختار خوشان را ازند علیحضرت پادشاه
کبر ممالک ایران و دو کلام مختار منقرض الهم بعد از تبلیغ یکدیگر
و ملاحظه آنجا نامه عبات طرفین در برونی قاعده و دست
یافتند موافقت رأی حاصل نموده فضل دین را منعقد کردند
۱۱
فضل اول ... سرحد در این عینین فوئوتین
ایران در دوسر طرف مشرق بجز خرنشین است هر دو در دین

معین شود

از مردات حنیقلی الی چات محرای رودخانه از کوه
 یخ از قات خط سرقه سمت شمال مشرق کشیده شود از سر قلعه
 سنگو داغ و ساقریم و از آنجا سمت شمال نقل که بهای فاصله
 مابین دره چاند و سینار بگذرد و از قلعه این حال
 سمت مشرق میرود و بجای رود سینار بگذرد و از قلعه
 جبال سمت مشرق میرود و بجای رود سینار میرسد در جایی
 چشمه آق آقایان برود سینار میریزد و از آنجا بطرف مشرق
 خط سرقه رود سینار میآید تا خواج مسجد دینه و از آنجا خط
 سرقه را میست در برون میرود تا قلعه کوههای کبد داغ
 و از سر کوهها کبد داغ سمت جنوب مشرق بانتهای
 سنگه گامات رسیده بطرف جنوب کشیده میشود و از روی

کوههای فاصله مابین دره سینار و سر چشمه ره گام
 و از آنجا سمت جنوب مشرق از سر جبال مسود جوب
 (۲) شمال رباط میآید و ازین نقطه از سر کوهها بقعه کوه و آنجا
 میرود و از آنجا از شمال خبر آباد سمت شمال مشرق محمد مریم
 بکوب کند (دقیال) میرسد و از کوب قبال خط سرقه
 میرود بدنه رود فیروزه و در شمال فیروزه دره را قطع میکند و از
 خط سرقه سمت جنوب مشرق میرود تا قلعه کوهها که از
 طرف جنوب دره در راه عشق آباد و فیروزه دره در آنست نقطه
 (۳) رفته بمعبر رباط کرباب رسیده سرقه فاصله کوبت در
 میکند بعد از آن خط سرقه تا انتهای این جبال بمشرق میرود
 و از آنجا از قلعه آفر شمال کوه اسلم بگذرد و از قلعه این کوهها
 سمت جنوب مشرق کشیده میشود و از طرف شمال هر کشته خار گردیده

میرود باینکه که هم از زیر کوه و غزل داغ بهم متصل میشوند
 و ازین نقطه خط سرقد سمت جنوب شرق میرود و از قطر
 زیر کوه تا ده چشمه بابا جهر مرز و از آنجا سمت شمال بگلک در راه
 کاو رس و لطف آباد واقع است میرود نهی در بابا جهر مرز
 در شرق خط سرقد میافتد

فصل دوم

چون در صدر اول عهدنامه حاکم
 نقاط اصلیه ذکر گردید در روز آنها خط سرقد مابین
 ممالک جرتین علیتین قویوکتین ایران و روس بکشیدند
 لهذا از برای بدقت تعیین کردن جزئیات خط سرقد در
 خط و نصب نمودن علامات سرقد طرفین علیتین معاینه نمودند
 مخصوص برقرار و معین خواهند نمود و زمانه و جایکه مأمورین
 مرز باید در آنوقت در آنجا حاضر شوند برای طرفین علیتین معاینه

فصل سوم

چون قلعات گرماب و قلعه واقع
 در دره رودی که آبش باران و ولایت ماوراء خزر جاری
 میشود در شمال خط میباید که موافق صدر اول عهدنامه
 سرقد مابین ممالک جرتین علیتین معاینه نمودند
 ادلیای دولت علیحضرت پادشاه مکر ممالک ایران متعهد
 میشوند که قلعات مزبور در وقت یکسال بعد از مباد
 و تصدیق ممالک عهدنامه تخلیه نمایند و ادلیای دولت علیحضرت
 پادشاه مکر ممالک ایران حق خواهند داشت که سکنه گرماب
 و قلعه را در مدت مرز بداضر مملکت ایران برده کن نمایند
 ادلیای دولت علیحضرت امپراطور مکر ممالک روسیه متعهد
 میشوند که سکنه ممالک در آنجا سازند و خانوار ترا که در آنجا

فصل چهارم

چون سرحد روسیه و روسیه و چین

بعضی رودها و چشمهای دیگر در اراضی ولایت ماوراءخر که
متصرفند بر ایران است مشروب بسیار در خاک است
ایران میباشد اول حضرت علیخیزت پادشاه کل ممالک ایران
مستعد میشوند در غنچه نمایند در ارض ششم آن آبها تا جایکه از
ایران خارج میشود در خاک ایران بهیچ وجه از وجود آنکس
اصداش نمایند و زمینها را که اکنون زراعت نمایند بر زمین
و آنچه در قدر اقیانوس زایل است بر اعلاها مهارت در خاک است
ایران باید برسد ابد برگردانند و از راه مواظبت در
دقیق قرار داد حالت اول حضرت علیخیزت پادشاه کل ممالک ایران
مستعد میشوند در مأمورین مطمئن بعد کفایت معین نمایند و
کنندگان بر این قرار داد را موافقه نمائند
فصل ششم بحکمت ترویج دادن بمراودات

۱۱

۲۸۱
انال ولایت ماوراءخر و خراسان در تین علیتین معاین
مستعد میشوند در باب ساختن راههای عراده برای صلح
و نقد امته تبارت فیما بین ولایت فروره هر قدر زودتر کنند
بالاتفاق قرار بدیند در ضمن باصلاح و صرفه طرفین باشد
فصل ششم اولیای دولت علیخیزت پادشاه کل
ممالک ایران مستعد میشوند در غنچه اکیه نمایند در بعد
اعلمه و عموم اجرات جنگ در امتداد خط سرمد ولایت
استرال و خراسان تابع صلح و نقد نمایند و بدلیه مؤمنان
بیاورند از ابر عدم رسیدن اعلمه تر آنکه در در خاک است
علیه ایران کنی دارند و کارگرداران سرمدیه ایران کمال
تقریب را خواهند نمود بمأمورین حضرت علیخیزت امیر امور
روسیه در مواظبت خواهند نمود از اینکه اعلمه از خاک ایران

۱۱

نارنج برین شو و همچنین او باری درت علیحضرت امیراطری
مستعد میوند که گذارند از خاک درت روس بطه و ادوات
حرب بزرگه کنه ایران برسد

فصل هفتم ... در احوال طلبت اجبار قرار داد
عهدنامه حاضره در رفتار ترکمه همایه با خاک ایران او بی
اعلیحضرت امیراطر کت ملک روسیه حق خواهند داشت
در نقاط سرحدیه خاک ایران مأمورین تعیین نمایند و این
میر و اطراف خود امند بعد در مرادوات فیمابین ما گذاران طرفین را بخط
نظم و آرایش در صفات همایه با خاک در تعیین علیتین معاهدین

فصل هشتم حدود و شروطیکه در عهدنامه
و قرارنامهات سابقه بین الدولتین علیتین معاهدین برقرار
عموما بعد ازین ام تقویه کامله خواهد بود و برقرار خواهند بود

فصل نهم این عهدنامه در درم نسخه بیک
مضمون تریب یافته است و بدست و کلاهی مختار جانبین
رسیده و مهربانان مهور شده است از جانب علیحضرت
پادشاه کت ملک ایران و اعلیحضرت امیراطر بالاستقلال
کت ملک روسیه صدق و محضی و تصدیقها نموده اند اوله
که بدست مخصوص ایشان فرزند خواهد بود در مدت چهار ماه یا در
اگر ممکن باشد در دار الخلافه طهران باین

و کلا مختاریان مساند خواهد
شد تحریراً در دار الخلافه طهران

تاریخ ۲۹ شهر محرم ۱۲۹۹
مجلس جانب دارالعلوم قزوین
ایران از امیرالمؤمنین
۹ و ۱۰ کابری ۱۸۸۱ مسیحی
مجلس جانب دارالعلوم قزوین

عهدنامه که در سنه ۱۲۱۰ در باب معاوضه
فیروزه با قلعه عیار آباد
و حصار انقاضیت

سنة ۱۲۱۰

مانصر الدین شاه قاجار شاهنشاه کل ممالک ایران اقرار
میکند باینکه عهدنامه میان ما و علیحضرت قویکوت امپراطور اعظم
کل ممالک روسیه در کلارطین در طهران بتاريخ ۲۳ شهریور
ذیقعد ۱۳۱۰ هجری مطابق ۲۷ ماه مارچ ۱۸۹۳ میلادی منعقد گردید
نمودند و آن اینست در لفظ بلفظ در زیر نوشته میشود
بسم الله الرحمن الرحيم
ملاحظه آنکه علیحضرت قویکوت ذوالاقدار کاملاً پادشاه

کل ممالک ایران و علیحضرت قویکوت ذوالاقدار کاملاً
امپراطور اعظم کل ممالک روسیه نهایت میباشند مابین
هر دو دولت و بتمام روابط کجمنی و تمام در کاملاً صلح
دارند هر یک از طرف خود برای تضرار بعضی قهرات بر ضد
دولتین قویکوتین روس و ایران از قرار ذیل تعیین و بتمام
از جانب خود نمودند علیحضرت قویکوت ذوالاقدار پادشاه
کل ممالک ایران جناب مستطاب اشرف میرزا علی صاحب
امین السلطان صدر اعظم هرالت عیبه خود را و علیحضرت
قویکوت ذوالاقدار امپراطور اعظم کل ممالک روسیه
جناب حلالیات لیکینی بوتف ایچی مخصوص و وزیر مختار خود را
در دربار هرالت عیبه ایران و کید و مأمور فرموده و کلیلین
قهرات و مفصول ذیل را برقرار و امضا نمودند

فصل اول علیحضرت اقدس شهباز ایران
از جانب خود و ولیعهدان خود همه آگاهی فروزه را واقعه
در سرقد و همه مملات آنرا واقعه میانه نظر در سابق در ۹ محرم
۱۲۹۹ مطابق دکار ۱۸۸۱ کشیده شده و خطی در آن کوهکند
سرگذشت است علیحضرت نویکت امیر اطراف کل ممالک روسیه
و گذار نماید و این فصل تعیین خط سرقد متعلقه باین قطعه
در مفضلاً در فصل اول قرار نامه ترمزه ۲۹ محرم ۱۲۹۹ مطابق
دکار ۱۸۸۱ است مسوخ و از زرجه اعتبار ساقط نماید و آنچه
فقرات قرار نامه فرموده همه بقوه کامله خود قرار است
فصل دوم ... در عرض مملات مطهره در فصل اول
در بدولت بتیه روسیه و گذارنده علیحضرت اقدس امیر اطراف
کل ممالک روسیه از جانب خود و ولیعهدان خود مملات

دند را با علیحضرت اقدس نماینده پادشاه ایران و گذار نماید
اولاً تکه زمینی در طرف راست رهوارس رود روی قلعه
سابق عباس آباد واقع بموجب فصل چهارم عهدنامه منعقد
در زکامهای ترمزه ۵ شعبان ۱۲۴۳ مطابق دهم فورال ۱۸۲۹
تعلق بدولت روسیه یافته بود نایباً آباد در حصار و همه مملات
آنرا واقعه در میان خط سرقدیه حالیه و خطی در آن قطع این سرقد
تا به حصار شیلکان در کنار راست نهر فرور محمد و آبادی
حصار از سمت مشرق هر میزند و پس از قطع این نهر بطرف
جنوب غربی و گودال واقعه در هر دو سوی آسیای صغیره
بعد از آن این خط سرقد و بطرف جنوب تا قطع بر قید
حالیه و رودخانه رود بار در زنگنه نان له چایم بنامند
فصل سیم چون تکه زمین واقعه رود رود قلعه

عبارت آبال بدولت علیه ایران وگذاشتن وقتانند
 در فصل چهارم عهدنامه ترکمانچای در خصوص حدود آن که
 زمین منوف و خط سرحد هر تین از سرور بمساحت محرای
 رود ارس تا بکندار تیز بلوک و از آنجا بر طبق فصل چهارم
 مزبور خواهد بود و ما بقرمه شروط عهدنامه ترکمانچای بر
 قوه خوابه و برقرار میماند

فصل چهارم تعیین بادقت نقطه سرحد

در حال فروزه و حصار و نصب علامات سرحدیه بتوسط
 مأمورین هر از طرف اولیای هر تین و لوگتین برای
 انبساطه تعیین برابر تحمیر دادن و تحمیر گرفتن آبادیها
 و محلههای آنها تعیین میوند اجرا خواهد شد و نیز هر تین
 معظمتین مأمورین برابر تحمیر دادن و تحمیر گرفتن عبارت آبال

مستقیم خواهند کرد در هر صورت و گذاری مملکت ثلاثه مزبوره
 در فوق و حق تصرف در آنها فوراً و فیکه این عهدنامه در نسخه
 و بدل شده باشد بدون هیچگونه شرط و مکتب خواهد شد
فصل پنجم خط سرحدیه میان فاک هر تین
 روس و ایران از نقطه معینه در فصل اول قرارنامه مورخه
 محرم ۱۲۹۹ مطابق ۹ دسامبر ۱۸۸۱ و بطرف شرق از انبوه
 خواهد شد خط سرحد از بابا هر ز از قله سرکوه مشهور بر سر کوه
 عبور کرده نسبت جنوب شرق رود بابا در خیر آبال می رود
 در قرب خیر آبال و بخیر آبال رسیده می رود بسیار دره در کوه
 که زیم میگویندش و میگردد از زمین رودخانه در کوه شمال
 آبالی قطع می شود بعد از آن مابین قراء کولکان و کلکان کوه
 قلعه خط سرحد نسبت شمال رفته و از طرف مغرب و شمال لطف

و جنوب غربی که آن هرگز نماند و بعد سمت جنوب شرقی بطرف
 قلعه شیکان منحرف می شود بطوری که قلعه چقدر عاقبت طرف
 شرق میماند و از سمت شمال و شرق در شیکان میگردد
 و پس از آن خط سرت قد از وسط فرسین شیکان و منحنی گذشته تا خط
 رد جنوب می رود و از سمت شرق در قلعه هصار گردیده بدو
 از طرف بین نه هصار شیکان و بعد یکبار سمت یسار همان نه
 افتاده سمت جنوب غربی تا گودال بزرگ رسیده و از آنجا بطرف
 غربت تا روضخانه ره بار مذکور می رود و از آنجا رودخانه و دریم
 فرخ بالاتر از فریه قزقان هم گذشته بجنب شرقی رو آورده
 از تمام قوا و آنک جنوب تر عبور و آمده تا جایی که قدر آبدن
 که هم است ممتد می شود و بعد این خط سرت قد بطرف شرق
 رفته بجای تهن رسیده با اتفاق این مجرای تهن قدر خوب است

از خزانه فوشود قلعه میگذرد و پس از آن همین مجرای رودخانه تهن تا
 ابتدای خاک افغانستان فرزندیکه ذوالفقار سرت قد خواهد بود و بعد
 دادن فروزه و تحویل گرفتن هصار فوراً بلافاصله برای نصب
 علامات سرت قد در جاهای خفته مأمورین از طرف فرسین
 فوشود کتین مأمور خواهند شد جهت تعیین واقعی خط سرت قد
فصل ششم در تعیین فوشود کتین روس و ایران
 حق خواهند داشت در طرف مدت یکسال ابتدا از روسی که
 این عهدنامه مصدق و مسامحه شده باشد امانت مقرر فروزه و هصار را
 که بگید که و گذار میکند با ملک و طرف خدی که بچند چرتین
 فوشود کتین متعلق الیهما متعهد می شوند در این مملکتان هر عویب
 این عهدنامه بگید که و گذار نماید الحکامات سازند
 و نیز ترا که را در مقرر فروزه و هصار کتین ندانند

فصل هفتم قرارنامه منقحه باین مورین اولی در بین قزوین

در ۱۸۸۴ مطابق ۱۳۰۳ در باب تقسیم زمینها و آبها میان کنگه سرقدیه طرفین بای خود
مستم و برقرار خواهد بود باستثنای قرارهای معلق بفرز و حصه
که بمناسبت این تدبیر تغییر کرده تکبد خواهد شد

فصل هشتم این عهدنامه تصدیق علیحضرت قزوین

پادشاه کنگه ممالک ایران و علیحضرت قزوین که امیراطرف اعظم کل
ممالک روسیه رسیده در ظرف چهار ماه بلکه زودتر اگر ممکن
شود ابتدا الذرائع امضای این عهدنامه در طهران مودله خواهد
بجست سقیم و تا نگید این عهدنامه و کلامی از بود آرا امضا و مهر

خود مهور و در هر نسخه بطریق نمودند
صدراعظم دولت ایران امین السلطان میرزا علی محمد خان
میرزا محمد تقی میرزا علی محمد خان
خلد الله مکه این عهدنامه را امضا میکند (علی صفر)
یوگینی و توفیق وزیر مختار
واطی مخصوص دولت روسیه
روسیه (محمد صفر)

بدقت تمام ملاحظه نمودیم و حالاصحت آنرا تصدیق میفرمایم

تمام آنچه نوشته شده است و مقتصد میکنیم بقبول
شاهش هر خندان و ولیعهدان خودمان
در تمام آنچه در این عهدنامه نوشته

شده است محرر و برقرار باشد و ابدا
تخلف نشود و بجهت تاکید تمام
آن امضای سلطنتی فرما

دشمنه و مهوره
خودمان محمود قاسم

مبتایخ شهر بیع الاول
۱۳۱۱ مطابق ۱۸۹۳ مسیحی
در قصر سلطنت آراک

صورت عهد و مقدّمه منعقدّه با دولت فخریه انگلیس

توضیح
 از ابتدای سنه ۱۲۲۵ تا سنه ۱۲۵۷ چند عهد
 در میان ما بین بریتین و انگلیس منعقد گردید چون
 مطالب آنها حالاً متروک است لهذا در تحریر آنها قلم کشیده
 و فقط بجز این عهدنامه تجارتی برداشت اگر چه این عهدنامه
 بلاخطه تصدیق عهدنامه صلح در انت و انته قلم در مروج
 خود ذکر خواهد شد متروک است زیرا که در آنجا امورات بسیار
 راجع بدولت کامله الوداد نمود و مقصودش عهدنامه روز است
 ولی بنا بر بعضی جهات ترقیم آن اقدام نمود چون الله تعالی توفیق

عهدنامه تجار تی که در سنه ۱۲۵۷ است العقاد پذیرفت

چون بین الطاف خداوند بگانه ملت فخریه و عظمت الاله از روز
 عهد و است و الفت ما بین دولت قوی و کت ایران و انگلیس
 است و عهد گذشته روز بروز سلاطین نامدار و ضروان
 شمار دولت ابدایت و اعدا بعد واحد یکی اصول و فضل
 آرا بر هر و مخطوط دانسته متعقبات ممکنین را از نوایان متمتع
 و مخطوط فرموده اند که عهدنامه تجارت در دی ماه ۱۲۲۹
 اول در بریتین علیتین و عده انعقاد آنرا کرده اند و تا اکنون
 به بعضی جهات در عهد تراخی یافته مانده لهذا از برار تکمیل
 جمع شروط معاهد میمونه در این سال فرضه فال علیحضرت

قضاوت قدر قدرت فلک زینت گهرن جبهت خسرو عظیم
 خدیو هم خدم غوث الاسلام و المسلمین عود المله و الدین شاه
 مالک فیج المساک ایران خدائمه ملکه و سلطانه خبا جلالت
 و نبات همراه عزت و فخامت اکبانه امیر الامراء العظام
 زینة الکبراء الفخام حاج میرزا ابوالحسن خان وزیر در نامه را
 بولایت نطقه سراز فرمودند و اعلمحضرت کیوان رفعت
 خورشید رایت شهریار عادل کامکار خسرو ابدل نامدار شاه
 مالک انگلستان و هندوستان ابدانته نوکته و جراته خباب
 جلالت و نبات لصاب محبت و درایت انتاب عمه السعاده
 المیخیه زینة الکبراء العیونیه سر جان کبیر وزیر فخر را بولایت
 کلته منتظر فرمودند و وکیلان شارالیهما عهد نامه تجارت را
 در ضمن این در قصر منعقد و بندید عهد نامه اصلیه مطبوع نمودند

که چون الله تعالی بین الدولتین همواره منظر شو و متعلقان
 طرفین را فواید آن عاید گردد
فصل اول تبار هرتین علیتین بالوتیه مازون
 در تصدیر هرگز نه امتعه واقعه حضرت با محکمت یکدیگر تصور نمایند
 و در هر یک از بلاد هر خواهند باینه و معارضه کند و از امر
 که می آورند و میزند در همین ورود بکرتبه بطریقیکه از تبار هرتین
 کلامه الوداد فرنگ کمرک مال التمان گرفته همه از تبار تبعه ظنین
 مطالبه خواهند شد و در زمان حروج بکرتبه بطریقیکه از تبار هرتین
 کلامه الوداد فرنگ کمرک مال التمان گرفته همه از تبار تبعه ظنین
 مطالبه خواهند شد و دیگر با مع اسم و رسم از تبار هرتین بکرتبه
 جانین خیر مطالبه خواهد شد و تبار و متعلقان و نسبتان
 طرفین در ولایات هرتین ظهور تبعه هرتین کلامه الوداد

ذنگ از هر گونه رعایت و حمایت و احترام ملاحظه نمایند
 از همان حمایت و رعایت و احترام بهره یاب خواهند گردید
فصل دوم ... چون برای رستگاری تبار جانین
 لازم است هر دو طرف دولت و کید التابه با یکدیگر شخصه تعیین نمود
 لهذا قرار دادند هر دو نفر و کید التابه از جانب دولت است
 انگلیس در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز اقامت نمایند
 فقط متوسط بر اینکه همانکه در دار السلطنه تبریز مقیم خواهند بود
 بخصایص خیرالقولی سرفراز باشد لا غیر و چون سالهاست
 بایوزر از دولت بهیه انگلیس در بندر ابوشهر توقف است
 دولت علیه ایران اذن میدهند بایوزر زور کمانه السابق
 اقامت نماید و کنگلک هر دو نفر و کید التابه از جانب
 دولت علیه ایران در دار الخلافه لندن و بندر بکه بمبئی

سکنی نماید بهمان مراتب و امتیازات که و کید التابه دولت
 بهیه انگلیس در مملکت ایران صانها الله تعالی عن المحمضان
 خواهد بود این عهدنامه تجارت را مکه و کلاهی مختار دولین
 هستیم در دار الخلافه طهران تاریخ ۱۲ شهر رمضان ۱۲۵۷
 هجری مطابق ماه کتبر ۱۸۴۱ عیسوی
 بخط و مهر و موقوف و مرقوم نمودیم

قرارنامه که در ۲۶۷۰ در باب منع
 بیع موقتی غلام و کنه ساه استقرار یافت
 در خط امین
 دولت علیه ایران فرامیدهد که کشتهای جنگ دولت انگلیس

و کپان تا مدت بازده سال مآذون و مرفه میباشند در جهت
احتمال صغر غلام و کیز سیاه کشتهای شماره ایران از تقصیا که
دین صغر مرفوم میبود تقصر نمایند سوای کشتهای هر لئی
هرت ایران هر کتر تبار و رعیتی نباشد بان کشتهای هر لئی
مطلق دفر و تصرف نباید بود ادبای هر لئی ایران قرارند
که هیچ صغر غلام و کیز سیاه در کشتهای هر لئی هر نمایند
اولا قرار این است که این اذن و اجازه تقصر در کشتهای
شماره رعیتی دان بود از ابتدا تقصر تا انتها بدست یاری
و توسط و استخار صاحب منصب ایران شود در کشتهای
هر لئی انگلیس منزل و مکان دارند
شانی کشتی تبار از راه از مقدار زمان تقصیر
غلام و کیز معطر کنند و اگر غلام و کیز در یک از آن کشتهها بود

کار گذاران هر لئی انگلیس گرفته ببرند به آنکه خسارت مطلق
بر آنها وارد شود و سوای بودن غلام و کیز نباید زحمت و ضری
بر آنها رسد نحو کتر را بدست یاری و استخار صاحب منصب ایران
که در کشتهای انگلیس استند لکار گذاران با در ایران که از جانب
ای دولت استند سپارند و صاحب آن کتر را که بخلاف
حکم علیحضرت پادشاه ایران مقرر نموده و غلام و کیز هر کس
کار گذاران این هر لئی باندان تبیه و ترجیح نمایند و کشتهای
حکام هر لئی انگلیس به دست یاری صاحب منصب هر لئی ایران
هم نوع دفر و تصرف در کشتهای شماره ایران کنند لیکن صاحب
منصبان هر لئی ایران هم نباید در تصرف خود بخواه که امر کنند
و این قرار است نامرود بازده سال و بعد از گذشتن بازده
سال و تمام شدن موعود مدت اگر یک فرد زبانه از بازده سال

بسم الله الرحمن الرحيم

چون علیحضرت خورشید آیت قدس تبارین پادشاه عظیم و
بالاستقلال کفر ممالک ایران و علیحضرت شاه گلشن
هر هر علی السویه از روی صدق مایه این مستند در صاحب
جگزار که منافع مید و مکنونات دوستانه ایشان است
در روابط هر هر مدت مید رفیقا بین هر تین علیتین برقرار
بوده مجدداً یک صلحی هر بروق فولید طرفین باشد بر بنیان
محکم بر پانمانید لهندارای اجوای این مقصود مطلوب علیحضرت
پادشاه ایران جناب حاکمات معرب النماقان فرخ خان امین الملک
بفر کمر دلت علیه ایران صاحب تصویر تبارین و حامد الی
و دارای کمر مکلل بالماس و غیره و غیره را و علیحضرت
پادشاه انگلیز جناب محبت لصاب هنری رکار و جانزین

ع

خانچه ما این بیات نخستین و
قول در برابر اخصایاریم از جانب
خودمان در از جانب خلف و جانشینان خودمان و طوطی شاهان
تقدیر این مقام را صدق و در لفظ نام و مضامین و جادو جادو داریم خود را کلام
هرات مندوبه بیان شده عهدنامه سابق الذکر را اولیاً و بعد از آن در وقت
و در آن روز کون آمدید و با عبارات جریبند و بگفت را و در تنظیم نامه
نعمه بر بیان اعظم و اینند خودمان از این بیات سخن تنظیم نامه
شاهان خودمان هر کردیم در دیوانه نامه محبت کین مقام
بنای ۱۲ ماهه با جادو و در هر سال صلوات
در تاریخ ۱۲۷۴ هجری قمری
تقدیر

کاوله از انبای دولت انگلیس و از اجزای شورت
مبارکه مخصوصه اعلیحضرت پادشاه انگلیس حادثان بزرگ
سلک شریف حمام و غیره کبر مخصوصه و مختار دولت انگلیس در نزد
اعلیحضرت امپراطور فرانسه و غیره و غیره را و کلا مختار
حقوقین فرمودند و ایشان بعد از آنکه اختیارنامه ای صادر
اراز و ببادله نمودند موافق ترکیب رسمی دیدند فصول در
مقبول و مقرر شدند

* **فصل اول** از روز سبده امضا نامه های
عهدنامه حال فیما بین اعلیحضرت شاه ایران و اعلیحضرت شاه
انگلیس همچنین فیما بین خلفاء و مالک رعایای طرفین در نزد امپراطور
فصل دوم چون بدولت و اقبال فیما بین
ایران و انگلیس صلح برقرار گردید بکم این فقره مقرر است که

عساکر دولت انگلیس نباید در مملکت ایران از تخلیه خواهند کرد
شرایط و تعهدات ذیل
فصل سوم دولتین علیتین معا به تین تعهد بکنند
که کتیر اسراء که در حین جنگ بدست عساکر طرفین افتاده باشند
بلا درنگ آزاد نمایند

فصل چهارم اعلیحضرت شاه ایران تعهد
یکند در ملافاصله بعد از سبده امضا نامه های این عهدنامه
یک غوغا نامه کامل اعلام نماید در واسطه آن جمیع رعایای ایران
که در وقت جنگ بمراوده خود با عساکر انگلیس مصدر خیانت
شده باشند از حقوق این خاک خود معاف باشند بطوریکه هیچکس در
هر صدمه دست نیابد بجهت این حرکت خود مورد تنبیه و اذیت
و تعذیر نخواهد بود

۱۱۱۵
۱۵۰۰
فضل ششم عیضت شاهی ایران نمیدکند در بلاد دیگر
لازمه تدابیر را نگاه میدارد و کارگذاران ایراز از
ملک و شهرات و سایر ممالک افغان را یکسره تحلیه ممالک مینماید تا سه ماه
بعد از بدو امانت‌های این عهدنامه معمول خواهد بود

۴
فضل ششم عیضت شاهی ایران راضی میشود
که ترک کند کل ادعای سلطنتی بر خاک و شهرات و ممالک
افغان و هر که مطالبه کند از روسا شهرات و ممالک افغان
بمع علامت اطاعت منکره و خطبه و باج و غیر عیضت ایشان
نمیدکند در بعد ازین از هر مدافله در امورات دافله افغان
اجتناب نماید عیضت ایشان و عدم میدهند استقلال
شهرات و تمام افغان را اعتراف نمایند و هرگز استقلال ملک
مربور مدافله نکند در صورت ظهور مغزعه قیامین دولت ایران

۱۵۰۰
۱۱۱۵
و ممالک هرات و افغانستان دولت ایران نمیدکند در
آزاد رجوع با اهتمامات هر سانه دولت انگلیس نماید و اقدام نکند
مگر در صورتیکه اهتمامات هر سانه انگلیس شمر شمر نشود از طرف
دیگر دولت انگلیس نمیدکند در همه وقت اعتبار خود را در
این کار برود و نگذارد در از آنها و هیچیک از آنها باعث هیچ
نوع تشویش و پریشانی دولت ایران نباشد و اگر دولت ایران
در وقوع مشکلات رجوع مدولت انگلیس نماید دولت انگلیس اینست
که کوشش را خواهد نمود در منافعات قیامین را امراق حق و تطابق
شان دولت ایران اصلاح نماید

۴
فضل هفتم در صورتیکه از جانب هرات و ممالک
افغان بر برقرارات ایران نگردد و هرگاه رضایت داده
نشود دولت ایران حق خواهد داشت در جهت دفع و تنبیه جانب

اقدام بحکامات جنگ نماید تا این صراحت معلوم و مقبول است که هر
 لگن از جانب دولت ایران در جهت مقصود مبروز از سر تقدیر گذرد
 بجز اجراء مقصود خواجسته بناگ حفر خواهد کرد و استعمال
 حق مزبور نباید همانند وقت دایره که دولت ایران را بر طرف
 شهر ری یک جزو ممالک مبروره بممالک ایران بشود

فصل هشتم در دولت ایران تمهید میکند در بلافاصله
 بعد از مبادله امضا نامه های این عهدنامه جمیع اسی که در
 جنگ در افغانستان بدست عساکر ایران اقله باشند بدون
 عوض قدر آراذ نمایند و همچنین جمیع افغانه یا با ستم گروی
 یا بجهت امور در هر جا بممالک ایران مقید باشند با نظر
 آراذ خواهند بود بشرط اینکه افغانه هم از طرف خطه ایران مقید
 ایران را در دست آنها باشند بدون عوض قدر آراذ نمایند

در این معادله بین در صورت لزوم تأمین نصب خواهند کرد
 که شرایط این فخره را معمول دارند

فصل نهم ... دولتین علیتین تمهید میکند در
 باب نصب و اعتراف قونلهای خیرال و قونلهای و کلاهی
 قونول هر یک ازین در دولت در ممالک هم دیگر حالت اول
 کالمه الوداد را خواهد داشت و نسبت بر عیال طرفین نسبت
 ایشان در هر باب با نظر رفتار خواهد شد در بر عیال و کلاهی
 کالمه الوداد میشود

فصل دهم ... بلافاصله بعد از مبادله امضا
 نامه های این عهدنامه سفارت انگلیس مراجعت طهران
 خواهد کرد در همان وقت دولت ایران را فرستاده سفارت
 پذیرائی نماید با شرایط خاطر خواهی و تشریفات مندرجه

علیحد که امروز و کلاهی در لبتن علیتین معاینه مضمی شده اند
فصل یازدهم درت ایران تهتد بکنه درت
سه ماه بعد از تراحت هارت انگلیس بطهران یک مأمور را
تعیین نماید با اتفاق یک مأمور درت انگلیس مطابق تندی
جمع رعایای انگلیس را از درت ایران تحقیق و مختصر نماید
درت ایران هر یک از اینها را در تصدیق مأمورین مزبور
باشد یا ذمه یا با لفظ خواهد داد در یک مرتبه در بیشتر از یکسال
از تاریخ اعلام مأمورین نباشد و مأمورین مزبور تحقیق و مختصر
خواهند کرد قروض درت ایران را از رعایای ایران و رعایای
سایر درل در ناوقت عزیمت هارت انگلیس از طهران در رعایای
انگلیس بودند و از آنوقت بعد ترک حمایت مزبور کردند
فصل دوازدهم با ستای آنچه

۴

در فصل سابق مقرر شده درت انگلیس این حق را ترک و اهل خود
که در حمایت کنند بعد از این هیچک از رعایای ایران را که بفعل
در نوک رسالت و قونوها و وکلار قونول انگلیس نباشد
بشرط اینکه چنین حقی مبدل دیگر داده و معمول شود و بر
و عمده خصوصیات دیگر درت انگلیس مطابقت میکند و درت ایران
تهتد نماید در همان اقیانات و معافات در حالک ایران
انگلیس و نوکره و رعایای آن داده خواهد شد در بدل کامله الزام
و نوکره و رعایای ایشان داده میشود و همچنین درت انگلیس
و نوکره و رعایای آن بهره یاب خواهند بود از همان قهرام و اعتبار
که مبدل کامله الوداد و نوکره و رعایای آنها داده میشود
فصل سیزدهم در لبتن علیتین معاینه حکیم
این فصل تجدید میکند آفرار را در ماه اغوست ۱۸۵۱ مطابق

۳

۴

۵

شهر تهرال ۱۲۶۷ در پاسخ تبارت غلام و کثیر در ضلع فارس
 فیما بین این دو دولت داده شده است و علاوه بر این تهنه میکند
 قرار فرزند پس از انقضای مدت برقرار آن در عبارت از
 اغوستر ۱۸۶۲ باشد تا مدت ده سال دیگر برقرار خواهد بود
 این خواننداد خواهد یافت تا یک از بنین یک اعلام رسمی
 قرار فرزند را موقوف بداند اما اعلام فرزند معمول خواهد بود
 که یک ل بعد از ظهر آن

۵ **فصل چهارم** بلافاصله بعد از مبادی
 امضا مهای این عهدنامه عی که انگلیس مزین حرکات خصمانه
 نسبت بدولت و مملکت ایران ترک خواهد کرد دولت انگلیس علان
 تهنه میکند در محضر اینکه قرار داد تخلیه مرآت و ممالک افغانستان
 از عی که ایران در محین قرار دادند پذیرای سفارت انگلیس بطهران

کاملاً محو شد عی که انگلیس خرد را از جمیع ولایات دامان
 و خرابی در تعلق با ایران دارد ملا درنگ پس خواهد کشید
 دولت انگلیس تهنه میکند در دین اثنا سر کردن عی که انگلیس
 عداً بیع حرکت در وجه صف الهی عت رعایای ایران
 نسبت با علی حضرت شاه ایران باشد خواهد که در بلکه تقویت
 مزنده نهایت مقصود انگلیس است و علاوه بر این دولت انگلیس
 تهنه میکند در بقدر امکان رعایای ایران از زخمیت ضرر
 انگلیس ایمن خواهند بود و همچنین آذوقه در جهت عی که فرزند
 لازم شود دولت ایران تهنه میکند در کارگزاران خود عذخ
 نماید در عی که انگلیس را در حصص آذوقه فرزند اعانت کند و
 دولت انگلیس تهنه میکند در در عین انفاش و قیمت آرزای
 نرخ روز از جانب ما ممدین انگلیس ملا درنگ دان خواهد شد

۶

فضل بانزدیم عهدنامه حال ممضی خواهد شد
و امضاها را آن مبادله خواهد شد در بغداد در مدت یک ماه یا
زودتر هر گاه ممکن شود جهت اثبات مطهرات فوق العاده این طرفین
این عهدنامه را ممضی و بهر ضمه مختم تاخذ در این در چهار ختم
نهم شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳ مطابق ۲۴ ماه مارچ ۱۸۵۶

سیحی تحریر یافت

متر مهر باروت کاویل متر مهر امین الملک بفر کیر کیر ایران

متر دست خط امین الملک
الواقی نامه تفخیر فی الامن به قاجار
متر مهر باروت کاویل ۱۲۷۳
متر مهر و امضای صدر عظیم دولت عقیده ایران
میرزا آقاخان ۱۲۷۳

۵۹۱

قرارنامه غلام و کنیز که محمد و آدشهر
ربیع الاول ۱۲۷۳ بافت
انگلیس داده شده است

۶

چون اعلیحضرت پادشاه ممالک مجتعه برتیاں عظم و ایراند
و امپراطری هندوستان و اعلیحضرت توینوکت پادشاه
مکر ممالک ایران هر دو با توبه از زور صداقت مادر محرابی
در متروک و موقوف داشتن معامله و حشیانه خرید و فروش عید
میباشد مقرر فرمودند هر برار حصول این مقصود قرارنامه
منعقد گردد و برار این منظر از جانب سی الجوانب خندان
دکیر و مخی فرمودند اعلیحضرت پادشاه مکر ممالک ایران
حاج میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه خود و اعلیحضرت پادشاه

مالک محتمه ریان عظم وارند و امپراطور هندستان
جناب زاید فکنس طامن اسکور وزیر مختار و اعلیٰ محضرت
خود را در دربار دولت ایران و پس از آنکه دکلا می مذکور اقبای
ناهای خود را ابراز کردند و صحیح و موافق قاعده دیدند
آینه را رقرار داشتند

۵ **فصل اول** بمنظور آنکه کسیر و غلام سباه بمالک
ایران هر سه چهارت دولت انگلیس در گذر میباشند و
خواهند بود کشتهها بر تارنای حامل علم دولت ایران و پایشهای
رعایای دولت ایران را که مشغول بعه یادلیت و بجهت در تنگال
آنها بر دن عهد در آنفر باشد نگاهداریت فخر و ملاحظه نمایند
عبد در آنها پیدا کند کسیر مذکور را تا تمام همگان آن نزد
هر کار گذار دولت ایران در نزد کسیر باشد را بر تحقیق و رسیدگی

برند و له هر کس از ایران از هر قیدی آنها صید با سیاه بچ باغبان
مانند که دولت علیه ایران با مضار بالیوز یا قونلو کسیر دولت
انگلیس رفته باشد در اجرت متفرض او خواهند شد شروط آنکه
کسیر و غلامیکه همراه آنحضرت تهاوز از آن عدد در نمایند
تذکره اصحاب او مذکور شده است حضور ضمن کسیر و غلام ضافه
دلبر کانی محراب خواهد بود در ارتکاب معامله عبید

۵ **فصل ثانی** بنامه چهارگ در کشنده دولت
انگلیس کسی ببارتیه حامل علم دولت ایران را که در بند دولت
ایران را بر تحقیق بر دو صاحب منصبان چهارگ در کشنده کسیر
در کسیر مذکور را گفته است و با صاحب منصب دیگر که از اجرت
انگلیس باموریت دارد در علم تحقیق مذکور حضور خواهد داشت
در صورتیکه قوا کسیر تبارتیه مذکور را بدیند و فرود خواهد شد

فروش آن بدولت ایران نقل خواهد گشت و هر چه عذر در
آن کسری پیدا شود بمقرضه مؤثرین دولت انگلیس داده خواهد شد
۸ **فصل ثالث** علیحضرت قیوکت پاشا ایران

و عده میفرمایند همه رعایای ایران و با فایده درکت حکم
و تخطی دولت علیه ایران در درو دریا مشغول معامله عبید باشند بمذا
سخت بدیند و تمام عبید را در خلاف حق یعنی بعد از انقضای
این عهدنامه از دریا داخل ممالک علیحضرت ایشان نمایند از داد
بفرمایند و از آنها رعایت و حمایت خواهند فرمود

فصل رابع قرارنامه حایه از اول ماه می ۱۸۵۲
برقرار خواهد شد و پس از برقرار شدن قرارنامه حاضر فهد
یزد هم عهدنامه قیامین در لیتن ایران و بریتان عظم
منفقه در پاریس مورخه چهارم ماه مارچ ۱۸۵۷ در توطئه آن قرار داد

منفقه قیامین در لیتن ایران و بریتان عظم تاریخ ۱۸۵۱
تجدید گدید باطلر و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود
هر اقدام در وجه آن بموجب اجر گذارده شده باشد
و یا بنا بر اجر آن برده است

فصل پنجم امضا نامه این قرارنامه حایه
در مدت پنج ماه یا هر گاه ممکن شود زودتر در طهران مباد
خواهند شد در طهران در روز پنجشنبه ۱۸۵۲

ربیع الثانی ۱۲۹۹ هجری مطابق
۲۶ مارس ۱۸۸۲
عیسوی در چهار نسخه
نوشته
شد

۸۹۱

عهدنامه که در سنه ۱۲۵۷ با دولت پسته بلیک منعقد گردیده

برخودمندان تیرنوشتر و تیرنوشتران سخن نویز بشین نامان
 که خراب رت عباد انتظام امور معاشر و معالجا در اقبضه
 ارادت و اختیار سلاطین با عدل و داد نهادن ماکا کبریا
 در تحصیل مال و حصول امان و انباج مطالب و اسعاف آسرتی
 مهربانی و داد بر بند و بر ایمن تعاند و خلاف حساب گردند
 بنیان اینقال آنکه علیحضرت کیوان رخصت شتر سرت
 بهرام طوط خورشید نوکت نامید بهجت عطار فطنت عمر
 مالک مالک محرومه ایران وارث باج و تحت سلاطین
 طلاله ۲ الارض کهنف الاسلام و المسلمین محمدشاه قاجار

خلد الله ایام سلطنه الی آخر الدوران و علیحضرت فعت
 قضا درایت قدر رتت باشاه تمامی بلحق لوبلد
 ادام الله ایام سلطنه الی آخر الزمان هر در علی التوریه حین
 مناسب دیدند در بهجت تائیس قواعد هر ترحمت و محبت
 فمادت و مودت و ترفیه حال رعیت و گن تیر اواب
 تبارت برای عامه رعایا و بر ایما مین هر تین علیتین بیام
 هر تیر و تبارت منعقد و بر قرار شو لهذا هر ت علیت ایران علیما
 میرزا صفر خان همدان شتر عساکر منصوره بطرح مختار هر ت
 علیه ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان مایون نشان اول
 شتر و خورشید سرتی و صاحب هر حامدین سرتی و سرخ و نشان افشارت
 علیه عثمانیه را از قرار دستخط علیحضرت مایون و امضا
 خاب جلالت نصاب احد افخم حاج میرزا آقا سردار انجمن

و کید و مختار نموده و علیحضرت پادشاه بلجک از قرار تخطیهای
 و امضای آنه بعد از آنکه برون فرانسوا جان وزیر بحر و وزیر مختار
 دولت بهیته علی معین اسلامبول صاحب منصب و نشان علیحضرت
 پادشاه تمام مملکت بلجک و صاحب نشان آکر در وقت
 فخریه فرانسه و صاحب نشان درجه اول دولت علیه عثمانیه
 در این باب مأذون و مختار ساخته لهذا ما مؤیدین مذکورین
 بعد از تدبیر اقبیار ناچار طرفین قرار معاهده را در ضمن
 ماده پنجم آتیه دادند

ماده اولی فیما بعد مابین دولت علیه ایران و
 بهیته علی و تبعه ایشان اساس هر ترس و ترسایدار و دراز
ماده دوم تبعه دولتین علیتین آنرا و سال مملکت
 بگذر زده و گشت و گذار نمایند و هر کدام در خوانند بکلیه

امرتاارت و نشین خود منزل و حجره و انبار که کند مأذون
 باشد و از طرف باشرین دیوان مخالفت نشود و در حق آقا حضرت
 در لیتن رعایت غت و حرمت ملحوظ شود و از اجاف ترم نمودن
 و محروس باشند و اگر یک از دولتین ذکر کتین با دولت دیگر
 جنگ و محاربه داشته باشد اصلاً بدو تدر ایدر اند و دولت پنجم
ماده سوم فیما بین دولتین بهیته علیتین
 تجارت با سیاحت نمائند که هر دو در آن وقت نمایند در حق آنها
 احرام هر عر شو از عوارض و تعیم معاف باشد و در وقت
 و خروج تجارت بلجک از آنست که آنها در یک یک دفعه از صدق
 زبانه بطلبند و از آنست که تجارت علیه ایران مشربغه
 در لیتن محتاجین فرانسه و انگلیس موافق تعرفه فرار گردد
ماده چهارم از تبعه دولت بهیته علی اگر بطریق

ساحت تجارت بمالک دولت علیه ایران نزد نمایند بار
 امنیت و سلامت آنها از طرف دولت علیه ایران اطمینان
 جور رحمت نمود که سر مانع و مزاحم آنها نشود و حمایت از آنها نماید
 ماده پنجم دولت علیه ایران مأذون نمایند که
 رئیس تبار از دولت بکلی در تبریز و دار الخلافه طهران مقیم شوند
 در سایر تبعه دولت خود واری کنند و همچنین اگر دولت علیه
 ایران بخواهد در شهر ناربوک و کورس مملکت بکلی رئیس
 تبار گذارند مأذون در تصر خوانند
 ماده ششم اگر مابین تبعه یا بین ارباب معامله
 و دعوائی اتفاق افتد که مختار رئیس تبار یا ترجمان آن دولت
 در حل آن ترتیب و عدت مملکت قطع و ضرر آن دعوی شود
 یکا از تبعه در این مفسر و در شکی - نمود بعد از تشخیص و تحقیق

اموال و اسباب او را فیمین از باب طلب بطور غرما و ترستی
 نمایند و همچنین در وقت وفات یکا از تبعه طرفین اموال و اشیای
 او را رئیس تبار آن دولت تسلیم نمود
 ماده هفتم ... انشاء الله این عهدنامه در هر دو تبارت
 ابدال در باجمال صداقت و دقت از طرفین ملحوظ و در خواست
 شد و بهیچ وجه صدر نقصان با جزاء آن راه نخواهد یافت
 در هر دو تبارت بسابق واحد در هر نسخه تحریر و امضاء و در
 مرضیت در تین علیین ممضی و مهر گشته و بدله که در این عهدنامه
 نسخه زبوره از طرف در تین به تین تصدیق گشته در هر دو
 مایکمه از آن تصدیقها با ماسلامبول آمده بین المأمورین از طرف
 جدا که در د تاریخ ۱۰م چهارشنبه ۲۵ محرم الاول مطابق
 اول شهریور ۱۲۵۷ مطابق ۱۴ محرم ۱۲۸۴ عید در دار الخلافه ۴ ماسلامبول
 امضاء و در تین

شرط نامه دولتمن ایران و بلجک که در
۱۵ شهریور ۱۲۵۷ مابین وکلای دولتمن
منعقد و عهدنامه مبارکه مذکوره
الحاق گردید

نظر باطنها راجب برون بخرو ملاحظه کن تب ترفیض نیست
جزو ماقدم عهدنامه مبارکه در تعلق بکبرک تبعه دولت علیه
و دولت علیه بلجک است نظام کمرک بلجک مغوش و پرت بند
لهذا نامردین طرفین مخصر ملاحظه صلاح دولتمن علیتین در فراره
منزوره را باین نحو دادند در تبعه دولتمن کمرک اوقت ورود
و خروج بمملکت بگذراند شرط اول عهدنامه مبارکه دولت علیه
الکلیس در این اوقات مابین دولت علیه ایران و دولت مبارکها

کار بازی نمایند این شرط نامه جداگانه اثار الله بعد از تصدیق
واضای انسانی در لیتن ذیو کتین در مدت چهار ماه بگذرد
اسلامبول مبادله خواهد شد همان قوه و قدرت خواهد داشت
که گویا در عهدنامه مبارکه در ۱۲ جمل اول منعقد گشته است

لفظ بلفظ مندرج شده ۲۵ شهریور الحاق الحرام

۱۲۵۷ قسلی و مهر گردید

ایضا عهدنامه ما دولت بلجک
که در ۱۲۷۳ منعقد گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

حون علیحضرت خورشید رایت اقدس مابین با ابراهیم عظیم
وشاه افخم سلطان مالاتقلال تهر محاکک ایران و علیحضرت

لرئید اول پادشاه بلجک و خسرو باذل نامدار را بدستند از لشکر
 و اتاناد خود بهدیگر دلیر تازه بدیند و شیرفت تبارت مالک خود را
 بشیر از سابق محوگ شوند لهذا منقره دشتند در عهدنامه منعقد شده
 در برای تقدیم ایلی اعلیحضرت شایسته ملک ایران خراب
 صلاحات مقرب التماقن فرخ امین الملک بغیر کسیر دولت
 علییه ایران صاحب تصویر مایون و حامد آید و دارای کمر کلتر
 بالماس و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه بلجک و کت
 شارل وین چهاردم وزیر امور خارجه محمد از افران و ملر و
 و دارای نشان مهنوم و صاحب نشانهای بزرگ خراج امیر و
 زانویه و ملک نردام کنسیون ویلا ویوزا و ملک سن مویس
 ولارار و صاحب نشان مجیدیه از مرتبه اول و نشان بزرگ
 امپراطور عتق سفید و ملک ستاره قطب شمالی و سن زورف

و ملک سودور و غیره و غیره را و کلای مختار خنوعند
 و ایشان بعد از آنکه در بروکس مجتمع شدند و اختیار با آنها خود را
 مبادله نمودند موافق ترکیب رسم دیدند فصل آیه قرار نمودند
فصل اول بمابین دولت علییه ایران و رعایای
 اندولت و دولت بهتم بلجک و رعایای آن دولت بعد ازین
 در مصالح و اتاناد محکم برقرار خواهد بود

فصل دوم نوارک بریا مومرین دیپلماتیک
 که هر یک از دولتین علیین مساعدتین بخوانند بدربار یکدیگر نامند
 و مهمانزند همان رفتار و دیپلوکیکه در حق نوارک بر و مومرین
 دیپلماتیک هرل کلمه الوداد و اتباع آنها معمول میشود
 همان رفتار نیز در حق تعالی کبر و مومرین دیپلماتیک هر
 مساعدتین و اتباع ایشان معمول و محروم و همان اعیان محظوظ
 خواهند بود

فصل سیم تبعه لرین علیین معاهدین از قید
 سیاقان و بکار و پیشه و رز و غیر هم در مملکتین سیاحت یافتند
 بنمایند بالریه از جانب حکام و ولایات و وکلای طرفین نسبت
 و حمایت قادرانه بهره مند خواهند گردید و در هر حال ملوک که در
 اتباع هر ل کاتبه الوداد نظر شود در حق ایشان نیز نظر خواهد
 و بالمفاوضه مآذون و رضخند هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات
 چه از راه دریا و چه از راه خشک مملکت یکدیگر بیاورند و از مملکت یکدیگر
 ببرد و بفرستند و مباحیه و معاوضه نمایند و هر بلد از بلاد
 مملکتین که خواهند صحرانظر نمایند و مآذون خواهند بود در خانهها و در کابین
 و انبارها جهت مسکن و امر تجارتی خود کرایه نمایند بآنکه از جانب
 کارگذاران در لرین مانع نباشد جهت امنیت رعایای دولت
 یکدیگر خواهند بفرستند سیاحت یا تجارت در ممالک ایران بر

نمایند لازمه احکام و فرامین و تذکره در وجوب دفع موانع و ممانعت
 و حمایت باشد بایشان داده خواهد شد و لیکن اینمقرر است که تجارت
 طرفین که اقدام تجارت داخله مملکتین نمایند بطبع قوانین مملکتی
 محترم تجارت مزبور باشد خواهند بود

فصل چهارم کشتیهای تجارتی طرفین هر گونه
 امتعه و اقمشه در اتباع هر لرین معاهدین مملکت یکدیگر نقل نمایند
 و بازر مملکت یکدیگر بیرون برند و چه مکرر که از کشتیهای تجارتی
 و اتباع هر ل کاتبه الوداد چنین ورود امتعه و محصولات ایشان
 در لرین و چین خروج از مملکتین مطابق بنوعی از ایشان نیز نظر خواهد
 شد و حق وجه علیتده بهیچ اسم در لرین علیین تطالبه نخواهد شد

فصل پنجم در ممالک محروسه ایران اگر نمایان اتباع
 دولت بزرگ بموافقه یا یکجانبه و منازعه رود در مملکت

و اجراء عدالت آن با تمام بعهده و کید یا قنول در ملت بهی
 بلایک خواهد بود اگر ترفند در مکر و مکان اینرافه و سباحته و منغه
 بهم باشد والا در مملکتی در اقرب بمکان مزبور بهست خواهد بود
 و کید یا قنول مزبوره طر گفگورا برو فی قوانین متداوله در
 بلجک خواهد که در هر گاه هر افه یا سباحته یا منغه فهاین بعهده
 بهی بلجک و اتباع در ملت علیه در مملکت ایران حادث گردد
 که و کید یا قنول در ملت بهی بلجک بقم باشد بقالات عین
 و تحقیق و تدقیق و اجراء حکم بعدل و انصاف در مملکت علیه
 ایران در مکر عادی طر ایگونه امورات است با حضور احد از
 منتجان و کید یا قنول در ملت مزبوره خواهد بود هر گاه در
 یا سباحته یا منغه در مملکت ایران فهاین اتباع بلجک و سباحته
 درل خارجه واقع شود تحقیق و اجراء حکم آن بعهده و کلایا و قنول

طرفین خواهد بود که کک گفتگو و منارغاتی که فهاین بعهده در ملت
 علیه ایران و اتباع در ملت بلجک و بعهده سیر در صل خارجه در مملکت
 بلجک اتفاق افتد قرار انام آن بخیر خواهد بود و اتباع در صل
 کامله الوداد در مملکت مزبوره معمول و مرتب میبود بعهده در ملت علیه
 ایران در مملکت بلجک و اتباع در ملت بلجک در ممالک ایران
 مستقیم بگنایان کسره گردند نهی که در مملکتین مزبورین با اتباع در صل
 کامله الوداد رفتار میبایست نیر معمول و مرتب و قطع حضور خواهد
فصل ششم در صورت وفات یک از رعایای در ملتین
 در ممالک طرفین در بابی که نسبت همان رفتار معمول خواهد بود
 بر که رعایا در صل کامله الوداد مجرب است

فصل هفتم در ملتین معاهدتین بجهت حمایت اتباع
 و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب معاشرت در شان

و عادلانه فهایم تبعه جانبین چنان اختیار نمودند در طرفین
 قونول برقرار گردد قونولها در ملت علیه ایران در دار السلطنه
 بروکس و آنورس و نیز اقامت خواهند داشت و قونولهای
 در ملت بلجیک در دارالملک طهران و دار السلطنه تبریز و نیز
 بقیم خواهند بود این قونولها در ملتین معادین با توره در قلمرو
 مکه و ملکین از اغوزات و اقاریات و صفایه در قونولهای
 در مالک الواد در مالک جانبین محفوظند بهره یاب خواهند
 گردید مأمورین دیپلوماتیک و قونولهای در ملت ایران عیال
 بلجیک را نه در ظاهر و در خصیه حمایت خواهند کرد مأمورین دیپلوماتیک
 و قونولها بلجیک رعایا را از آنه در ظاهر و در خصیه حمایت
 خواهند کرد قونولها در ملتین معادین در در مالک طرفین
 مشغول تجارت شوند بطبع خواهند بود همان قوانین و رسوم

سایر رعایا در ملت بموعه ایشان که مشغول تجارت نبوده
 بطبع هستند
فصل هشتم در صورت طغیان جنگ فهایم یک از
 در ملتین معادین و یک در ملت دیگر بجهت صلح خواهد رسید
 و بدو تر و اتنا که باید یا بد فهایم در ملتین معادین برقرار نماید
فصل نهم این عهدنامه در هر دو تبارت در ملاحظه
 کمال صداقت و در سر و اعتماد فهایم در ملتین مجربین ایران
 و بلجیک منعقد شده بعون الله تعالی از تاریخ روز مبدل
 انصافا محبت طرفین ناده سال از جانبین بصدق و راستی
 و محفوظ خواهد بود اما اگر یک سال پیش از انقضای این عهدنامه
 یا پیش از در ملتین مدخرا در توقیف و اجرائی عهدنامه
 رعایا دولت دیگر اعلام کرده باشد عهدنامه حال برقرار خواهد

تاریخ یکصد و نوزده روز اظهار جان اعلام هر وقت
اعلام زبرد گنجد نماید و کلا مختار در تعیین معاهدتین تمهید میکند
که امضا نامجات بلاشاه دیباچه خود را در ظرف هر از ده ماه یا
زودتر هرگاه میسر شود در طهران یا در بروکسین یا در اسلامبول

مبادله نمایند و کلا مختار در تعیین

علیترین معاهدتین این عهدنامه را که ضروری

حکایت و مهر صحیح محتم و واقف

نمودند این عهدنامه در

شهر بزبان فارس و فرانسوی

در بروکسین شهر

ذوالحجه الحرام

سنة ۱۲۷۳ هجری تحریر یافت

عهدنامه که در سال ۱۲۷۱ با دولت بیه
فرانسه منعقد گردید

بسم الله الرحمن الرحيم

چون اعلی حضرت کویان رفعت خورشید را بت فلک تبت
گردون خشمت خسرو عظیم خدیو پنجم چشم جمشید جاه دارک
دارت تاج و تخت کین شاهنشاه عظیم بابت استقلال مملکت ایران
و اعلی حضرت کویان رفعت خورشید را بت فلک باعداری
مهر افق شهریار بر رازنده دهم صاحب کلام شرف طراز لوازم
شاهنشاهی خسرو باذل نامدار نایبین امیر اطراف ممالک فرانسه
هر دو علی التویه اراده و تمنا رسد قانع دارند هر دو بابطه تهنیت
در تعیین برقرار و بواسطه عهد هر دو تبارت در التویه نافع و

و بودند تبعه در لنین قورنیاں خام بچودت و اتاد جانین
 مسکلم سازند لهذا بر ارتقیم اخبار علیحضرت شایسته بکر مالک
 ایران اعتماد الدوله العله صاحبش ن مکتب امیرنومانی
 با حامید بن و قمر و صاحبش ن شمال مایون از درجه اول و صاحب
 شمشیر مرتضی و عصا مکتب بالمر و دارنده تراه الماس و درویش
 و صاحبش ن درجه اول امیرنویا فی اعظم و حامید بن درجه دوم
 شهنش اول و صاحب لقب الترخاب از طرف اجداد فرزند افغان
 صدر اعظم دولت علیه ایرارا و علیحضرت امیر اطرا مالک فرانسه
 میوکلایا سر برده وزیر مختار و امیر مخصوص دولت همت فرانسه صاحب
 نشان افتخار موسوم بترین ذنور و حامید مسمی بسن گوار کسر و نشان
 افتخار مجیدیه و غیره را او کلا مختار حق تعیین کردند و ایشان بعد از
 آنکه در دارالخلافت طهران مجتمع شدند و اختیار نامه خود را مبدله کردند

موافق قاعده و شایسته دیدند حصول آتیه را برقرار نمودند

فصل اول بعد ایوم الابد فیما بین دولت

علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت همت فرانسه و رعایای
آن دولت هر متر صلح قانه و اتاد داعی برقرار خواهد بود

فصل دوم نوار کبار و وزیر مختار که هر یک

از دولتین معاهدین بخواهند بدربار یکدیگر مأمور و مقیم سازند همان
 رفتار و لکن که هر در حق نغزای کبار و وزیر مختار دول

متحابه و اتباع آنها معمول میشود بعینها همان رفتار نیز در حق
 نوار کبار و وزیر مختار دولتین معاهدین و اتباع ایشان

معمول و محرر و همان امتیازات مخلوط خواهند بود

فصل سوم تبعه دولتین علیتین معاهدین از

قبیل سیحان و تبار و بیشه و ران و غیرهم هر در ملکیت محرومین

ساحت با ترف نمایند با تریه از جانب حاکم ولایت و کلاک
 طیفین بغرت و حمایت قادرانه بهر یاب خواهند گردید و در هر حال
 سلوک که نسبت بتابع در اول کاطه الوداد منظور شود در حق ایشان
 نظر خواهند و با مفاوضه مازون و مخرج در هر گونه امتعه و اقته
 و محمولات چه از راه دریای چه از راه خشک بمملکت بگردانند و از
 مملکت بگردانند و بیع و معاوضه نمایند و هر بلبل از
 بلاد مملکتین بخرانند هر وقت نمایند

فصل چهارم هر گونه امتعه و اقته که اتباع در
 مملکتین معارضین بمملکت بگردانند و یا از مملکت بگردانند
 ببرد و چه هر یک از آثار و اتباع در اول کاطه الوداد صحت در و در
 و محمولات ایشان بولایت در لیتن و حین خروج از مملکتین بمطابق
 از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجه علیت بهیچ هم در

در هر لیتن علیتین مطالبه خواهد شد

فصل پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فهایم

اتباع دولت بیه فرانسه مراغه یا مساحه یا مساحه رود در
 گفتگو و اجراء عدالت آن با تمام بهمه و کید یا قول است
 بیه فرانسه است اگر ترف در مملکت و مکان این مراغه و مساحه
 بود باشد و الا در مملکتی هر از ب مملکتین مرفور است خواهد بود
 یا قول مرفور این گفتگو را بر وفق قوانین متداوله در مملکت فرانسه
 که در هر گاه مراغه یا مساحه یا مساحه فهایم تبعه دولت بیه فرانسه
 و اتباع دولت علیه در مملکت ایران عادت کرده در مقام و کت
 دولت بیه فرانسه قیام باشد مقالات متداعین و تحقیق و دفع و اجراء
 حکم عدل و انصاف در محکمه دولت علیه ایران هر قدر و کید و کینه
 امورات است با حضور احد از منتسبان و کید یا قول دولت

بسته نروان خواهد شد هرگاه مراغه یا باجه یا نزرعه در مملکت
ایران فیما بین اتباع دولت بسته فرانسه و تبعه سایر پادشاهان واقع
شود تحقیق و احوال حکم آن عهد و ولایا و قونوهای طرفین
خواهد بود کذک گفتگو و منازعاتیکه فیما بین تبعه دولت علیه ایران
و اتباع دولت بسته فرانسه و تبعه سایر پادشاهان در ممالک محروسه
فرانسه اتفاق افتد فرار انان و اتمام آن بجز خواهد بود در با
اتباع دولت علیه ایران در ممالک فرانسه یا اتباع دولت بسته فرانسه
ممالک ایران اگر متهم گناهان کبیره گردند بوجهیکه در مملکت نروان
با اتباع دولت علیه ایران اتفاق افتد و فرقی با ایشان نیز معمول است
و قطع و فسخ خواهد شد
فصل ششم هرگاه احد از اتباع دولتین علیتین

در مملکتین محروسین وفات یابد در صورتیکه میت را اقوام یا سرکار
باشد ترکه او بالتام تسلیم ایشان خواهد شد و در صورتیکه شخص
میت را قوم و سرکار نباشد متروکات او امانتاً بکیر و قونول
دولت میت تسلیم میشود تا رای بر وفق قوانین متداوله در
مملکت محفوظ بماند و باید در انبواب معمول دارد
فصل هفتم در لنین علیتین معاهدین جهت حاجت
اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول
معشرت و مسکنه و عادلانه فیما بین تبعه جانین چنین خواهد بود
که از طرفین که نفر قونول برقرار گردد قونوهای دولت بسته
فرانسه در دار الخلافه طهران و بندر ابوشهر و دار السلطنه تبریز
و قونوهای دولت علیه ایران در دار السلطنه پاریس و شهرهای
و جزیره بوردن توافق نمایند این قونوهای دولتین معاهدین بالتوسیه

در هر توقیفه مسکونه مملکتین مجربین از اعزازات و اعزازات و
معافیتکه فوئولها در حال کماله الوداد در ملک محروسه جانبین
مخاطبه به باب خواهند گردید

فصل ششم ... این عهدنامه در تبریز جاریه حاضریه
ملاحظه کمال صداقت و در هر دو عهدنامه این در لیتن دیکوین
و فرانسه منعقد شده است بعون الله تعالی طرفین شروط مندرجه
آنرا ابدالدم لادرو صدق و راستی و موطوط خواهند داشت
و کلا مختار در لیتن معاہدین منعقدند در امضا نامجات خدیو
از جانب نرال جوانب شاهانه خود در دار الخلافه طهران یا
دار السلطنه پاریس در ظرف مدت ششماه یا کمتر اگر مقدر گردد
مبادله نمایند و کلا مختار در لیتن علیین معاہدین این عهدنامه
سایکله حاضره را ملاحظه و هر حرفه مرقوم و مختم نمودند این عهدنامه

مبارکه تاریخ ۲۸ شهر ثوال المکرم ۱۲۷۱ مطابق ۲۲ اردیبه
عیوی در نسخه خطی قایم و فرانسه
مطابق و موافق گردید

مرقوم شد

مقدمه و امضا سردار میرزا آقاخان محمد میرزا امیر میرزا میرزا مختار
صدر عظم دولت علیه ایران دولت بایه فرانسه

**عهدنامه که با آمریکا شمالی در ۱۲۷۲
سمت انعقاد یافت**

بسم الله الرحمن الرحیم

مالک شاه مالاتقلال اعظم و شهریار مالاتسفق اکرم زبیب

افزار سر خلافت و تاجدار زینت بخش از کیه سلطنت و
 شهر بار محی آثار عدل و انصاف ماحر اعلام جود و عطف
 داور تاج و تخت دارار فرودخت سگوه بخش روییم و کین
 ملاذ الاسلام و المسلمین ملک عدالت کتر خدی رعیت پرور
 افتخار طوک کین مالک بالارث کتر مالک ایران موافق این
 مبارک طرد لایکری تواند و تعلق داشته باشد معلوم نمونم در
 شهر بیخانی خده ۲۷۲ در ۳۴۳ میل فیما بین علیخیزت طوکانه ماورین مالک
 آمریک شمالی موافق اختیارها میگه از لوفین دارنده بعضی لرد
 جانب باحجاب محبت و فخرت نصیب این الملک فرخ خان
 ایچ کیر دولت علیه ایران صاحب نشان شمال هاپون و حامد مختصر
 آن و حامد کمر مختل الماس و غیره و غیره و از جانب کتر
 مالک مجموعه آمریک شمالی کجکول اسپنر وزیر مالک مجموعه

نیز در یقیم در بار دولت علیه عثمانی عهد و تروت و تجارت فرار داده
 شده است در شهر بر فضول آتیه و کلمه کلمه از این قرار است

بسم الله الرحمن الرحیم

چون علیخیزت کوان رفعت خورشید رایت فلک زینت گرون
 خدمت خسرو عظم خدیو پنجم شمس جمید جبه داراب سلک و دار
 تاج و تخت کین شاهانه عظم مالا استقلال کتر مالک ایران وزیر
 مالک مجموعه آمریک شمالی هر دو علی التویه تمنا و اراده صیفا
 دارند در روابط هر دو فیما بین در لیتن برقرار و باطه عهد
 در بالتویه نافع و دروند تبعه هر لیتن فور بیان خواهد بود
 و اتاد جانین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم الحاق علیخیزت
 شاهانه کتر مالک ایران جانب محبت و فخرت نصیب این الملک
 فرخ خان ایچ کیر دولت علیه ایران صاحب نشان شمال هاپون

و حامد مخصوص آن و حامد که مکتوب بالاس و غیره و غیره را
 وزیر مالک مجتمه امریک شمالی کارول اسپنر وزیر مالک
 مجتمه نرپوره مقیم دربار دولت عثمانی را و کلا مختار تعیین کردند
 و این بعد از آنکه اختیار نامهها را خود امده که دند و موافق
 و نایسته دیدند فصول آتیه را برقرار نمودند

فصل اول بعد ایوم فهایین دولت عتیه ایران
 و رعایا آن دولت و دولت و رعایا مالک مجتمه امریک شمالی
 هر صلح و التامکم برقرار خواهد بود

فصل دوم ... سفرا کبر و مأمورین دیپلوماتیک
 که هر یک از دولتین معاهدین بخواهند بدر بار یکدیگر مأمورین
 همان رفتار و ولایکه در حق سفرا کبر و مأمورین دیپلوماتیک
 هر دو متحابه و اتباع آنها معمول میوه بعینها همان رفتار نیز در حق

کبر و مأمورین دیپلوماتیک در لیتن معاهدین و اتباع ایشان
 مجری و معمول و جهان امتیازات مخلوط خواهند بود

فصل سیم تبعه دولتین معاهدین علیتین از قبیل
 سیاقان و تبار و پیشه در و غیر هم در مملکتین مجریین سبقت
 با تصرف نمایند بالبتویه از جانب حکام ولایات و وکلای طرفین
 بهر ترحم و طاعت قادرانه بپسند خواهند گردید و در هر حال سلب
 که نسبت با تابع هر دو کلمه الوداد میور در حق ایشان منظر خواهد
 و مبالغه و ضمه مآذون و هر خصم در هر گونه امتعه و اقمه و محلات
 چه از راه خشک و چه از راه دریای بحکمت یکدیگر بیاورند و از مملکت یکدیگر
 بپسند و بفرستند و مباحیه و معاوضه نمایند و هر بلده از بلاد مملکتین که
 خواهند هر دو تصرف نمایند ولیکن این مقررت در تبار طرفین که
 اقدام تجارت داخله مملکتین نمایند در خصوص تجارت نرپوره مطیع

قوانین آن کار قهر تبارت مزبور باشد خواهند بود و در صورتیکه
یکایک از ولایتین معارضین بعد ازین در باب تبارت داخله اقبازات
تازه بر عیاری بر هر حال بدیم همان اقبازات نیز دان خواهند
بر عیاری هر یک از این دو دولت در ممالک دیگر مشغول
تبارت داخله باشند

فصل چهارم هر گونه امتعه واقعه در اتباع
در ولایتین علیین معارضین مملکت یکدیگر تقدیر نماید و یا از مملکت
همدیگر بیرون برند وجه مگر که در ارتقا و اتباع هر حال کما فی الوداد
صین در دو امتعه و محولات ایشان ولایات در ولایتین و صین خویش
مملکتین مطالبه میوز از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق وجه علیته
مع هم و رسم در ولایتین علیین مطالبه نخواهد شد
فصل پنجم در ممالک محروسه ایران هر گاه مرافعه یا مرافعه

فیما بین تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت ممالک مجتمعه اگر یک
نمائی حادث شود در مقام و کید یا قول دولت مجتمعه اگر یک
مقیم باشد معاملات متداعین و تحقیق و تدقیق و احوار حکم
و انصاف در محکمه دولت علیه ایران در هر عارضه هر آنگونه که امر است
باجتراء در زنتب و کید یا قول دولت ممالک مجتمعه اگر یک
خواهند در ممالک محروسه اگر فیما بین اتباع دولت ممالک
مجتمعه مرافعه یا منازعه رود هر طریقی که در احوار عدالت آن
با تمام بدهد و کید یا قول دولت ممالک مجتمعه اگر یک است
اگر تصرف در ممالک مرافعه و با ضمه و منازعه بوده باشند و الا
در مملکتی که اقرب بتمیز مزبور است خواهد بود و کید یا قول مزبور
طریقی که گفتار بروفق قوانین متداوله در ممالک مجتمعه خواهد کرد
هر گاه مرافعه یا منازعه در ممالک ایران فیما بین اتباع

درت ممالک مجتمعه و تبعه سیرجول خارجه واقع نمیشود
و اجازت حکم آن بعهده وکلا یا ونواها طرفین خواهد بود
کذلک گفتند و منازعاتیکه فیما بین تبعه درت علیه ایران
و اتباع ممالک مجتمعه اتفاق افتد قرار انعام و تمام آن بجوی
خواهد بود با اتباع هر حال کامله الوداد در ممالک مزبور معمول
و مرتب می شود تبعه درت علیه ایران در ممالک مجتمعه با اتباع هر
ممالک ابرکها شمالی در ممالک ایران اگر مهم گمان کسره گردند
بجوئیکه در ملکین مزبورین با اتباع هر حال کامله الوداد رفتار می
باشند نیز معمول و مرتب و قطع و فسخ خواهد شد

فصل ششم هرگاه احد از اتباع هر تین علیتین
در ملکین مجربین وفات یابد در صورتیکه میت را اقوام یا
شرکاء باشد ترکه با تمام تسلیم ایشان خواهد شد و در صورتیکه شخص

میت را اقوام و شرکاء نباشد متروکات او اناستاد کدی و قبول
درت قبوضه میت تسلیم شود مالم را به بروق و این متداوله
در ملک خود خانیه شاید و باید در انباب معمول دارد

فصل هفتم ... در تین علیتین معاهدین بجهت حمایت
اتباع خود و تقویت امور تجارت و فراخ آوردن اسباب حصول
معشرت در تنه و عادلانه فیما بین تبعه جانین چنین قضایه
که حق داشته باشند هر یک مأمور دیلو با یک در ماتحت تین
مقیم زند و از طرفین بکسر نفر و نول برقرار نمایند و نولهای
درت علیه ایران در شهرهای واسکون و نیویورک و نول
گرد آستر زلف خواهند داشت و نولهای درت ممالک مجتمعه
در دارالخلافت طهران و نندرابو شهر و دارالسلطنه تبریز توقف خواهند
نمود این نولهای در تین معاهدین بالتوبه در قدر توقف نمیکند

ملکین محروستین از اغراضات و امتیازات و منافات که در آنها
 حال کافه الوداد در ممالک جا نین مخطوطه بهره یاب خواهند کرد
 مأمور دیپلماتیک و قونولها را ممالک مجتمعه آمریک ری عیایر
 در ملت علیه ایرازانه در ظاهر و در خفیہ حمایت نمایند که در این
 اصول در برقرار طرفین مترشده اصلاً تبا و زرا را جایز نخواهند
 داشت و نیز مترشده قونولهای نزر بر مشغول تجارت
 شوند ایشان نیز مطلع خواهند بود همان قوانین در رویه سایر
 امصار ریایر ملت قریه ایشان در همان مملکت تجارت
 میکند مطلع است و همچنین نمایین در لیتن سعادتین مترشده
 در عدد کوکر مأمور دیپلماتیک و قونولها در ملت ممالک
 مجتمعه آمریک شمالی بشیر از آن نخواهد بود بموجب عهدنامه ای
 مأمورین روس در ممالک ایران معین شده است

فصل هشتم

این عهدنامه هرگز تجارتی در ملاحظه
 کمال صداقت و صمیمیت و اعتماد نمایین در لیتن ایران و ممالک
 مجتمعه آمریک منعقد شده است از تاریخ مبادله امضای نامت
 طرفین تا ده سال برقرار خواهد بود و اگر پیش از انقضای ده سال مذکور
 به یک لیتن در ملت بموجب اعلام رسمید خود در قطع و توقف
 اجاز این عهدنامه بدولت دیگر اظهار ندارد عهدنامه نزر با یک
 دیگر علاوه بر وعدۀ مذکوره برقرار خواهد بود همچنین تا هر از ده ماه
 بعد از نوشتن چنان اعلام هر وقت در اعلام نزر بر بطور آید و گاهی
 مختار در لیتن سعادتین قرار میدهند در امضای نامت در ملت
 متوجه خود را در الامموسل در دست ششاه یا کتبه اگر مقدر گردد
 مبادله نمایند و کلاً مختار در لیتن سعادتین این عهدنامه را
 حاضر را بطلان و هر خود مرقوم و موقوف نمودند این عهدنامه را که

در نسخه زبان فارس و انگلیسی تاریخ ۱۲۷۳ هجری خورشیدی
ربیع الثانی مطابق ۱۸۵۶ میلادی در کابل
مرقوم گردید

بسم الله
کافه عهدنامه هر دو تبارتدیه مطوعه فوقه امضا و تصدیق
دشتم بخوبی که موافق این طور میباید قبول و مضمی تصدیق میفرمایم
در کتب مضامین آن و قبول ملوکانه مالرزرا از خودمان و اخلافان
و عهد میفرمایم هر گنگنه در عهدنامه قرار داد شده از جانب املا
تکلف معمول و مقرر خواهد شد از رزرا اعتبار آن ما این تصدیق
بخط خودمان فرین خود حکم کردیم در عهد
در است خودمان مقرر میفرمایم
۱۲۷۳ هجری خورشیدی مطابق ۱۸۵۶ میلادی در کابل

عهدنامه با دولت بهیه اطراش منعقد
در ۱۲۷۳

بسم الله الرحمن الرحيم

بجون ایزد متعال ما بیدناه بالا استقلال اعظم شهر ما را مالک
اکرم زب افزای سرر خلافت و ما جدار زینت خجاری
و شهر ما بر مچنی آثار عدل و انصاف ما هر علایم جود و عفاف
ناج و کنت دارا فرودخت شکوه خجاری در بهیم و کین ملاذ اسلام و
المسلمین ملک عدالت کتر خدیو رعیت پرور افتار ملوک کین
مالک بالارث کتر ممالک ایران موافق این مبارک ملوک کتر تواند
و تعلق داشته باشد معلوم میفرمایم در ۲۲ شهر رمضان ۱۲۷۳
هجری در پاریس فیما بین علیخترت ملوکانه و علیخترت سراج طراش

مراقب اختیار نماید که از طرفین دانسته بود به نزاران ما
 بجناب جلالتش تعرت الناقان فرخ خان این الملک بفرست
 علیه ایران صاحب تصویر مایون با جامد کج و دارا که مکلفه بانکار
 وغیره وغیره و از جانب علیحضرت امیرالطو اسر به جناب میوبارون
 زورف الک نذر الوبر صاحبش نهاد که امیرالطوری
 نویسد و باج امیرالزرتبه اول شتر مخصوص و غیره که خفایه تقیم در بار
 علیحضرت امیرالطو فرانه عهد هر دو تارت قرار داد و معتقد
 در تهر است بر فصل آیه و کلمه بکلمه از توار است

بسم الله الرحمن الرحيم

چون علیحضرت خورشید رایت اقدس مایون شایسته عظیم و پادشاه
 لا یشقل کدر ملک ایران و علیحضرت امیرالطو اسر به و پادشاه
 محبتش وجه و لبار و ماوندیک و ولپا چو غروا ط و کلا...

و کالیسی ولود و مرید المیر ما و اور سلیم و آرشید و ک اسر یا وغیره وغیره
 هر دو عالی سویه آرزو در صال فانه دارند در فهایم هر نین روالط
 هر تر بر قرار و مانعاً و یک عهد نامه هر تر و تارت و مساحت سفینه
 هر با سویه نافع و بودند تبعه هر نین تمهیدین باشد تودت چنان
 مستحکم سازند لهذا را از تقدم ایگهار علیحضرت شایسته ایران جناب
 جلالتش تعرت الناقان فرخ خان این الملک بفرست که هر دو صاحب
 تصویر مایون و جامد کج و دارا که مکلفه بالباس وغیره وغیره
 وغیره را و علیحضرت امیرالطو اسر به جناب میوبارون زورف الک
 الوبر صاحبش نهاد که امیرالطو نویسد و باج امیرالزرتبه اول
 شتر مخصوص و غیره که تقیم در بار علیحضرت امیرالطو و انرا و کلا محض
 تعیین کردند و ایشان بعد از آنکه در بار جمع شدند و اقرار نمودند
 حضور اب دله کردند و مطابق و موافق ترکیب رسم یافتند فصل آیه

فصل اول از تاریخ امروز فها این ممالک و رعایا
 دولت علیّه ایران و ممالک و رعایای دولت ایتمه تریه هر متر
 صدق و امانک صمیم برقرار خواهد بود

فصل دوم نخواستن بر ما مودین دیپلماتیک در لیتن
 علیتین مستعدین بجا خواهند بود بر یکدیگر ما مودر و قیوم سازند در ملکین
 نسبت بایشان و اتباع سعادت ایشان همان پذیرند و رفا خواهد
 در حق نخواستن بر ما مودین دیپلماتیک هرل کافه الوداد و مودت
 با بر زمان شرفیات و سعادت و اعزازات هر چه بخواهند بود

فصل سیم تبعه در لیتن علیتین مستعدین بعد ازین
 ما دوزن خواهند بود هر باز در تمام در ممالک طرفین سیر نمایند و
 از خاک هر لیتن ممالک بجا بگردند باینکه کارگذاران ولایتی
 مستضایان شوند بدکمال وقت خواهند که در این راه از مودت

هر ارت محفوظ بدارند همیشه ایست نخنی ایشان را مرا طبت نمایند
 ایشان بقدر امکان اظهار رعایت کنند در مدت نبودن هر چه
 ضرورتی و قدری برایشان دارند باید و بجهت انقضای آنکه
 عبود و فرائین و سایر حاجات بایشان عطا خواهند کرد

فصل چهارم رعایا در لیتن علیتین از صنوف
 تمام و پیشه دران و سیاحان در از برای مصالح خود ممالک جانبین
 بروند از همین دخول تا وقت خروج خود نسبت بایشان با همان
 رعایت پذیرند و رفا خواهند شد نسبت بر رعایا هرل کافه الوداد
 بنابرین تبعه در لیتن علیتین مستعدین ما دوزن خواهند بود چه از راه

راه در ایامه ممالک یکدیگر بیایند و از مملکت یکدیگر سیرند و در
 ولایت طرفین حمد و قدر کنند و در تمام وسعت ممالک در لیتن
 مراقی قواعد و قوانین جاریه در ولایات طرفین تجارت نمایند

و انبارها و دکانها بجهت امور خود اجازه نمایند و از ایشان هیچ شئ
 و بهانه مایل به مطالبه نخواهد شد مگر آنچه از رعایای هر محل کما فی الوداد
 مطالبه میشود و اینمورد است که اگر دولت علیه ایران رعایای یکدیگر
 خارج در ایران حق تحمیر و تمسک را راضی و فاضلها و انبارها و
 املاک بدهند همان حق نیز بر رعایای دولت اتریه داده خواهد شد
 رعایای دولتین در هر ملکین بخواهند تجارت داخل نمایند در باب
 این تجارت مطلع قوانین آن مملکت خواهند بود هر قدر تجارت
 مزبور است صاحب منصبان و مأمورین بر رعایای دولت علیه ایران
 بعضی داخل فتنها و انبارها و دکانها یک رعیت اتریه خواهند
 و در صورت لزوم باید در هر جایکه مأمورین دیپلماتیک
 با قونول اتریه باشد ایشان را پیش از وقت اخبار کنند و مع
 تحسین فایده لازم خواهد بود که در صورت نیاز مأمورین قونول اتریه

نشین کرده باشد در جایکه مأمورین با قونول اتریه نباشد در ایجاب
 نسبت به تنه دولت اتریه همان رفتار خواهد شد نسبت به
 رعایای هر محل کما فی الوداد میشود در جایکه از هر محل مشار الیه
 مأمورین با قونول اتریه

فصل پنجم

رعایای اتریه در محاکم ایران امتعه ببرند
 یا از محاکم مزبور خارج خواهند نمود در باب حقوق مکرر نسبت
 بایشان همان رفتار خواهد شد نسبت بر رعایای هر محل کما فی الوداد
 میشود و همچنین رعایای ایران در محاکم دولت اتریه امتعه ببرند
 یا از محاکم مزبور خارج خواهند نمود در باب حقوق مکرر مایل است
 نسبت بایشان همان رفتار خواهد شد نسبت بر رعایای هر محل کما فی الوداد

فصل ششم

نظارتها و مسیر و مرادوات مخصوصه
 فیما بین دولت اتریه و سایر محاکم اتفاق جریان برقرار است

سائس شرو و اعطی حضرت امیر اطهر قرار میدهند تبعه مالک
 نزوی جرمایا باید در ایران بهره یاب باشد از جمیع حقوق و امتیازات
 بواسطه این عهدنامه تجارت و تبعه استریا داده شده است بشرط
 اینکه هر سال نزوی جرمایا در مدت یک سال بعد از تاریخ تصدیق
 این عهدنامه نهد میکند همان حقوق و منافع هر ملک استریه
 تجارت و رعایای ایران داده شده و غیر تجارت و رعایای ایران بد
فصل مفتم ... در بین عتقین معتمدین بجهت حمایت
 تبعه و تجارت جانین و جهت تسهیل مرادوات حسنه و عادلانه رعایای
 طرفین را بر خود این حق را اختیار میکنند در هر یک از دولتین
 سه نفر قونول تعیین نمایند قونولها را ایران در وسه و طریه است
 و نیز اقامت خواهند داشت و قونولها استریه در دارالخلافت
 طهران و دارالسلطنه تبریز و در یکا از بازار خلع فارس معتمدین

نوعیتم خواهند بود و قونولهای مملکتین صحتاً و چه بجهت اجرای
 مأموریت خود و چه بجهت خانها و مأمورین و خدمت ایشان بهره یاب
 خواهند بود از نظر اجراءات و امتیازات هر دو حق قونولهای
 همزبده و مأمورین تجارتی هر سال کاتمه الوداد معمول میوه در حالت
 ظهور انقش و ولاتی باید بموجب استعاره قونولها بجهت حفظ
 و حراست خانه قونوگر لازمه مستحفظ زابایش بندند
 دیلو با یک و قونولها را استریه نباید نه در خانه هر و نه در خانه
 بیچک از تبعه ایران را در خدمت سعادت امیر اطهر با قونولها
 جزا یا قونول و وکلا قونول استریه نباشد حمایت نمایند
 اما اگر دولت ایران بیک دولت خارجه چنین تعهد در همان
 حق نیز بدولت استریه داده خواهد شد در این خصوص شایسته
 دولت استریه بهره یاب خواهد بود از همان امتیازاتیکه بدولت کاتمه الوداد



داده بود و اینقررت در آنکه نامدر از آمدن قونر لکن آریه
 در ایران معمول تبارت نمود در باب تبارت عهدها بن قوانین در بعض
 در در حق رعایا در است بر وجه او جاریت مطیع خواهد بود
فصل هشتم ... در لکن علقین جمع تهمذات و سایر
 قرار داد؟ رتبه جانین را در باب امور تبارت با کمال صدق
 و در تر مخلوط و مقرر خواهند داشت بهمت مزید مواظبت اطمینان
 استریه در ایران تمسکات و ضمانت نامجات و بروات جمع
 قرار نامجات که فیما بین رعایا در لکن علقین تهمذین در باب امور تبارت
 مطود و ابراز خود باید در دیوانه و در صورت عدم آن در نزد
 کار گذاران ولایتی هر محترم رجوع این نوع کارها باشند و کذلک
 در جایکه قونول استریه باشد در نزد او نیز مضمی خود در حضور
 منازعه بتوانند لازمه تجسس را بکنند و منازعات فرود را بر وجه عدالت